



اتحاد یک طرفه؟

چرا بار انسجام ملی بر دوش اصلاح طلبان است؟



روایت آمریکایی

ونس و مالی از جنگ ۱۲ روزه گفتند



منقل قانونی!

دفاع اقتصاددانان از قانونی شدن مصرف مواد مخدر



به نفع اتباع!

وزارت کشور تصمیم گرفته است که ازدواج ایرانیان با اتباع را به رسمیت بشناسد کارشناسان این تصمیم را راهی دوباره برای بازگشت افغان‌ها و اتباع و اقامت‌های غیرقانونی می‌دانند

سرمقاله

لوازم انسجام ملی

چرا نیروهای رادیکال و رسانه‌های آنها پایبند به انسجام ملی نیستند؟



سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگران سازندگی ایران

در ماجرای ناجوانمردانه تجاوز نظامی اسرائیل به ایران که به «جنگ ۱۲ روزه» مشهور شد، یکی از ابعاد شاخص و قابل توجه شخصیت و منش ملی ایرانیان دوباره آشکار شد؛ بُعدی که جدید نبود بلکه فرصتی پیدا کرد تا خود را از نو به نمایش بگذارد و نشانگر واقعیتی مبارک است. واقعیت ملتی که در بزنگاه‌های تاریخی از هویت و موجودیت خود دفاع می‌کند و در برابر تهدید با انسجام و صلابت می‌ایستد.

از زوایای گوناگون نیز می‌توان به این موضوع پرداخت. نخست، از زاویه نگاه خود ملت ایران است؛ ایرانی‌ها می‌توانند و باید به این بعد از شخصیت ملی خود افتخار کنند. دوم، از منظر حاکمیت جمهوری اسلامی است که همواره در تجلیل از روحیه همبستگی و مقاومت ایرانیان، به‌ویژه در دوران جنگ، تأکید کرده است. سوم، نگاه ناظران بین‌المللی است که در گزارش‌ها و تحلیل‌های خود از این انسجام و پایداری تمجید کرده‌اند و در نهایت، نگاه دشمنان ایران است که حتی آنان هم ناگزیر به رسمیت شناختن این ویژگی ملت ایران شده‌اند که نمونه روشن آن رفتار نتانیاهو است؛ همان کسی که بارها به ایران توهین و جسارت کرده و در حملات خود، جان انسان‌های بی‌گناه ایرانی را گرفته است اما امروز پشت تصویر کوروش کبیر، امپراتوری ایرانی که روزی یهودیان را نجات داد، پنهان می‌شود و خود را «دوست ملت ایران» معرفی می‌کند. همچنین دونالد ترامپ که با فشارها و تحریم‌های سنگین، اقتصاد ایران را هدف قرار داد اما همزمان از «صلابت ملت ایران» سخن گفت. این واقعیت‌ها یادآور آن است که ملت ایران حتی در نگاه دشمنانش نیز ملتی رشید و استوار است.

ما ایرانی‌ها می‌توانیم همچنان به ایرانی بودن خود و به اینکه ملتی رشید و تکامل یافته هستیم، افتخار و بر توانایی‌های خود برای ساخت آینده تکیه کنیم. اما امروز حفظ این انسجام، تنها یک افتخار نیست بلکه ضرورتی حیاتی برای ادامه حیات ملی ماست. این ضرورت نیز لوازمی دارد که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است. طبیعی بود که در چنین فضای از حاکمان جمهوری اسلامی انتظار برود این شرایط را به نفع ملت رقم بزنند. اما در این زمینه هنوز نواقص فراوانی وجود دارد. به این معنا که ما شاهد هیچ تغییری نه در سطح افراد بلکه حتی در سطح سیاست‌ها در رسانه‌های مهمی مانند صداوسیما نیستیم. از سوی دیگر، بلوغ و درک حداقلی در اظهارات برخی نمایندگان مجلس نیز به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که احترام به ملت ایران فقط در شعار کافی نیست؛ این احترام باید در عمل و در گفتار حاکمیت متجلی شود. در ادامه به چند نمونه از بداخلاقی‌هایی اشاره می‌کنم که انسجام ملی را تهدید می‌کند و انتظار داشتیم و هنوز هم داریم که نظام جمهوری اسلامی به این بداخلاقی‌ها در جامعه و در بخش‌های حاکمیتی پایان دهد. چه زمانی قرار است، نیروهای رادیکالی که به ریشه انسجام ملی ضربه می‌زنند از اداره صداوسیما کنار گذاشته شوند؟ چرا هنوز سیاست‌های تبعیض‌آمیز در این رسانه به وضوح ادامه دارد؟ در روزنامه کیهان نیز که مدیر آن منصوب مقام معظم رهبری است، شاهد این بداخلاقی‌ها هستیم در حالی که انتظار می‌رود، آقای شریعتمداری اگر حرمت هیچ‌کس را نگه نمی‌دارد، دست‌کم حرمت رهبری را حفظ کرده و نسبت به بزرگان کشور مودبانه‌تر رفتار کند.

موضوع دیگر، مساله قومیت‌هاست. متأسفانه در برخی استان‌های دو قومیتی مانند آذربایجان غربی شاهد بروز شعارهای افراطی بوده‌ایم؛ جایی که برخی از عزیزان ترک‌زبان در واکنش‌های احساسی، شعارهایی علیه هم‌وطنان کرد داده‌اند. این رفتارها زنگ خطر است. ایران متشکل از اقوام گوناگون است: ترک، کرد، بلوچ، فارس، لر، عرب و ترکمن.

ادامه در صفحه ۲

پیروزی دیپلماسی

رهبران آمریکا و چین که نسبت به یکدیگر رفتار خصمانه داشتند، در کره جنوبی دیدار کردند و دست دوستی دادند. رئیس‌جمهور چین به ترامپ گفت: آقای رئیس‌جمهور من با شما که در پی صلح هستید، آماده همکاری هستیم رئیس‌جمهور آمریکا نیز این دیدار را بسیار موفق توصیف کرد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در جریان نشست سازمان همکاری آسیا و اقیانوسیه (آپک) که در کره جنوبی برگزار شد، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵ دیداری ۹۰ دقیقه‌ای در منطقه بوسان/کی مه برگزار کردند.

این نشست در حاشیه گفت‌وگوهای چندجانبه و در فضایی محدود با حضور تعداد اندکی از اعضای هیات‌های همراه انجام شد. پس از پایان دیدار، هر دو رهبر بیانیه‌های کوتاهی صادر کردند و مقامات دو کشور جزئیات بیشتری در اختیار خبرنگاران قرار دادند. نتایج این نشست شامل مجموعه‌ای از توافق‌های مشخص و فوری بود. مهم‌ترین آنها تصمیم آمریکا برای کاهش نرخ اصلی تعرفه بر کالاهای وارداتی از چین از ۵۷ به ۴۷ درصد بود. دولت ترامپ این اقدام را بخشی از بسته‌ای برای آرام‌سازی بازارهای جهانی و کاهش تنش‌های اقتصادی توصیف کرد. در مقابل، چین پذیرفت تا حدود یک سال محدودیت‌های اخیر در صادرات عناصر کمیاب را به حالت تعلیق درآورد. این تصمیم با هدف کاهش نگرانی صنایع جهانی اتخاذ شد و فرصت بیشتری برای ادامه مذاکرات فراهم کرد.

ادامه در صفحه ۳



گزارش سیاسی

پیام یک غیبت جمعی

صندلی‌های همایش «جبهه قیام برای محاکمه روحانی و ظریف» خالی ماند



گروه سیاسی: در ادامه موج‌های سیاسی اخیر و همه‌ها به چهره‌هایی چون حسن روحانی و محمود ظریف، عصر پنج‌شنبه جمعی با عنوان «جبهه قیام برای محاکمه روحانی و ظریف» در یکی از سالن‌های اطراف میدان ولیعصر تهران برگزار شد. برگزارکنندگان که برخی از فعالان نزدیک به جبهه پایداری و اعضای سابق ستاد امر به معروف و نهی از منکر بودند این گردهمایی را با شعار «محاکمه مسئولان برجام و ویرانی اقتصاد» تدارک دیده بودند. اما برخلاف تبلیغات اولیه، تصاویر منتشرشده از این همایش نشان می‌دهد که بیشتر صندلی‌های سالن برگزاری خالی مانده و استقبال اندک و غیبت بسیاری از چهره‌های سیاسی تندرو، از جمله نمایندگان که پیش‌تر در مجلس شعار «محاکمه ظریف و روحانی» را مطرح کرده بودند، به این نشست رنگی از انفعال بخشید. مهدی کوچکزاده، نماینده ادوار مجلس و از حامیان ایده محاکمه روحانی و ظریف که یکی از سخنرانان دعوت‌شده به این نشست بود هم در مراسم حاضر نشد. کوچکزاده در توضیح عدم حضورش در این مراسم در شبکه ایکس و در پاسخ به مخاطبانش نوشت: «قول قطعی نداده بودم، فقط گفته بودم اگر برسم می‌آیم اما دوستان برداشت دیگری کردند». در بخش اصلی مراسم نیز برگزارکنندگان صندلی‌های خالی را به‌عنوان «جایگاه متهمان» قرار داده بودند و نام حسن روحانی و محمود جواد ظریف روی آنها نصب شده بود. آنان هدف از این حرکت را «اعتراض به سیاست‌های غلط در حوزه برجام و اقتصاد» اعلام کردند. این در حالی است که برگزاری چنین تجمع‌هایی، بدون پشتوانه مردمی و صرفاً با انگیزه‌های جناحی، نه تنها مطالبه‌گری واقعی را تقویت نمی‌کند بلکه باعث فرسایش اعتماد عمومی به مفهوم عدالت‌خواهی می‌شود. کمرنگ بودن حضور مردم و حتی فعالان اصولگرا در این همایش را نیز می‌توان به عنوان نشانه‌ای از دگرگونی فضای سیاسی دانست که در وهله اول نشان می‌دهد که گفتمان تخریب دولت‌های پیشین دیگر در افکار عمومی جذابیّت ندارد و مردم با چالش‌های روزمره معیشتی خود بیش از آن سرگرم‌اند که به منازعات گذشته بازگردند. دیگر آنکه، بخشی از نیروهای اصولگرا نیز به نوعی احتیاط سیاسی رسیده‌اند و می‌دانند، تکرار شعارهای تند علیه چهره‌هایی مانند روحانی و ظریف، در شرایط فعلی کشور، جز تضعیف انسجام ملی شمری ندارد و در شرایطی که کشور با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی متعددی روبه‌روست، تکرار شعارهای محاکمه و اتهام‌زنی برای بسیاری از شهروندان دیگر اولویت محسوب نمی‌شود. اکنون به نظر می‌رسد فضای عمومی جامعه نسبت به این نوع گفتمان واکنش‌پز شده و دیگر با ادبیات حذف و انتقام سیاسی همراهی نمی‌کند.

ادامه سرمقاله

لوازم انسجام ملی

اینکه هر گروهی بگوید «ما ایران را قبول داریم ولی فلان قومش را نه» حرف درستی نیست. مسئولان عالی‌رتبه نظام باید در برابر هرگونه شعار افراطی، از هر زبان و در هر کسوت و قومی که باشد، قاطعانه بایستند و اجازه ندهند ملت به‌صورت تکه‌تکه و جدا از هم تعریف شود. ملت ایران تعریفی یکپارچه دارد. ما پیش از هر چیز ایرانی هستیم؛ سپس ترک، کرد، لر، فارس، بلوچ یا عرب. در شرایطی که کشور با بحران‌های پیچیده منطقه‌ای، فشارهای بین‌المللی، تورم‌سنگین و رکود اقتصادی مواجه است، زمان آن نیست که گروه‌ها و شخصیت‌ها، مطالبات شخصی خود را در اولویت قرار دهند. امروز زمان دفاع از مردم است، نه دفاع از خود. بررسی نقش هر گروه و شخصیت در پیدایش وضعیت موجود باید در جای خود انجام شود اما اکنون زمان فداکاری، مدارا و ترجیح منافع ملی است. به‌ویژه از نمایندگان مجلس، مسئولان قوه قضاییه و مدیران نهادهای حاکمیتی انتظار می‌رود بیش از دیگران درک درستی از لوازم انسجام ملی و ضرورت حفظ آن داشته باشند. چراکه انسجام ملی، سرمایه‌ای است که اگر آسیب ببیند هیچ سیاست و قدرتی توان جبران آن را نخواهد داشت.

اتحاد یک‌طرفه؟

چرا بار انسجام ملی اغلب بر دوش اصلاح‌طلبان است؟

عاطفه شمس

گروه سیاسی



در روزهایی که تنش‌های سیاسی داخلی از سطح رسانه‌ها تا صحن مجلس کشیده شده، دو چهره باسابقه و از چهره‌های مورد اعتماد نظام، علی لاریجانی و مصطفی پورمحمدی، هر دو در موضعی مشابه نسبت به «افزایش اختلافات سیاسی» هشدار داده‌اند. لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، گفته است که «زعمای سیاسی هنوز حساسیت موقعیت فعلی را درک نکرده‌اند؛ به محض حادثه‌ای به جان هم می‌افتند و فضای کشور را به هم می‌ریزند» و در ادامه تأکید کرده که خداوند، گذشت را برای چنین روزهایی قرار داده است. پورمحمدی، دبیر جامعه روحانیت مبارز نیز در تأیید سخنان او نوشته: «به دلسوزان سیاست توصیه می‌کنم از فعال کردن شکاف‌ها پرهیز کنند و منافع ملی را در اولویت بگذارند؛ دشمن مترصد فرصت است و باید اتحاد مقدس را حفظ کنیم». این سخنان، گرچه از سویی بیانگر دغدغه مشترک دو سیاستمدار برجسته درخصوص حفظ آرامش سیاسی کشور است اما از سوی دیگر، پرسشی جدی را پیش می‌کشد. اینکه چرا هر بار که اصلاح‌طلبان در مقابل موج تخریب‌ها در مقام دفاع از خود برمی‌ایند،

سخن از «انسجام ملی» به میان می‌آید و چرا همواره فقط آنان مخاطب اصلی این توصیه‌ها قرار می‌گیرند؟ علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در نشست اصحاب علوم انسانی همچنین گفت: «برخی از زعمای سیاسی کشور هنوز حساسیت و خطر بودن موقعیت کنونی را به‌خوبی درک نکرده‌اند. به محض اینکه حادثه‌ای رخ می‌دهد به‌راحتی به جان یکدیگر می‌افتند و فضای کشور را به هم می‌ریزند. این نشان می‌دهد، بزرگی صحنه برای آنان درک نشده است». وی افزود: «البته اختلاف‌نظر در کشور وجود دارد اما وقتی در عرصه‌ای قرار دارید که جنگ مهمی در جریان است و همه غرب نیز با یکدیگر تبهانی کرده‌اند باید بسیاری از مسائل را برای وقت دیگری کنار گذاشت. خداوند، گذشت را برای همین روزها قرار داده است». لاریجانی تأکید کرد: «این وضعیت نیازمند گذشت و بزرگواری است. نمی‌گویم که افراد حق ندارند اما گذشت زمانی معنا دارد که حق وجود داشته باشد. این یک اشکال است که باید به زبان‌های مختلف تذکر داده شود زیرا اگر درک نشود به کشور لطمه می‌زند. در این شرایط باید از اختلافات عبور کرده و برای تقویت انسجام ملی تلاش کنیم». مصطفی پورمحمدی، دبیر جامعه روحانیت مبارز نیز در تأیید سخنان علی لاریجانی در حساب کاربری خود نوشت: «به دلسوزان و عقلای سیاست توصیه می‌کنم از اختلاف و فعال کردن شکاف‌ها پرهیز کنیم و منافع ملی را در اولویت بگذاریم. دشمن مترصد فرصت است؛ همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند باید «اتحاد مقدس» را حفظ کنیم تا انسجام ملی خدشه‌دار نشود و به ایران عزیزمان آسیب نرسد». اما پرسش مهم این است که خطاب این توصیه‌ها دقیقاً چه کسانی هستند؟ در سال‌های اخیر، هرگاه فضای سیاسی کشور ملتهب شده، تیغ نقد و تذکر بیشتر متوجه جریان اصلاح‌طلب بوده است؛ جریانی که برخلاف رسانه‌های تندرو و چهره‌های پرنفوذ اصولگرا، دسترسی گسترده‌ای به تریبون‌های رسمی ندارد و حتی کوچک‌ترین نقدهش، گاه با برخورد قضایی یا محدودیت رسانه‌ای مواجه می‌شود.

رسانه‌هایی که وحدت را تهدید می‌کنند

در ساختار سیاسی ایران، مفهوم «انسجام ملی» در مواقع بحران و تنش، بیش از پیش برجسته می‌شود. اما تجربه نشان داده که این فراخوان‌ها اغلب در یک جهت عمل می‌کنند؛ زمانی که اصلاح‌طلبان مورد حمله قرار می‌گیرند و بنا بر حق طبیعی خود در مقابل موج تخریب‌ها می‌ایستند از آنان خواسته می‌شود در جهت حفظ وحدت ملی سکوت کنند، انتقاد را کنار بگذارند و واکنشی نشان ندهند. در مقابل، جریان‌های رسانه‌ای نزدیک به اصولگرایان، از جمله روزنامه کیهان، رسانه ملی و برخی تریبون‌های رسمی عملاً بدون هیچ محدودیتی به دامن زدن به اختلافات و حمله به چهره‌های سیاسی و اجتماعی اصلاح‌طلب مشغولند.



همین روزها نیز در مجلس در برنامه‌های تلویزیونی و یادداشت‌های روزنامه‌های تندرو، شاهد حجم گسترده‌ای از اتهام‌زنی، تحریف و برجسب‌زنی به منتقدان هستیم؛ بدون آنکه نهادهای ناظر، از جمله شورای عالی امنیت ملی، واکنشی نشان دهند. در حالی که نطق یک نماینده مجلس را نمی‌توان و نباید محدود کرد، حداقل انتظار از نهادهای ناظر این است که به صداوسیما و رسانه‌هایی که تحت حمایت ساختار رسمی فعالیت می‌کنند، یادآور شوند که رسانه و تریبون ملی، جای تصفیه‌حساب سیاسی نیست.

نمونه‌های متعدد برنامه‌های تلویزیونی که در آنها اصلاح‌طلبان و حتی منتقدان در غیاب خود تخریب می‌شوند، یا تیرهای روزنامه‌هایی که با ادبیات تشدد و قضاوت‌محور، فضای سیاسی را به سمت تقابل سوق می‌دهند عملاً بر خلاف همان «اتحاد مقدس» عمل می‌کند که آقایان لاریجانی و پورمحمدی از آن سخن می‌گویند. اگر قرار است شورای عالی امنیت ملی دغدغه انسجام داشته باشد، نخستین گام منطقی باید اصلاح رفتار رسانه‌هایی باشد که عملاً به ابزار مشروعیت‌زدایی از گروهی از شهروندان و سیاسیون تبدیل شده‌اند. صداوسیما، که طبق قانون اساسی باید منعکس‌کننده دیدگاه‌های مختلف جامعه باشد، در عمل به رسانه‌ای یک‌سویه بدل شده است که بخش بزرگی از جامعه را یا نادیده می‌گیرد یا با زبان تخریب از آنان سخن می‌گوید. در کنار آن، روزنامه‌هایی چون کیهان با تیرها و تحلیل‌های روزانه خود نه تنها اختلافات را کاهش نمی‌دهند بلکه اختلاف را به سیاست رسمی بدل کرده‌اند.

با این حال، هیچ مرجع رسمی امنیتی یا قضایی، این رفتارها را مصداق تهدید علیه امنیت روانی جامعه یا انسجام ملی نمی‌داند. این در حالی است که به سختی می‌توان اظهارنظر یک فعال سیاسی یا روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب را عامل تفرقه‌ای بزرگ‌تر از تریبون‌های رسمی‌ای دانست که هر روز از رسانه ملی تا صفحات اول برخی روزنامه‌ها، بذر نفرت و بدبینی می‌پراکنند.

ضرورت بازتعریف مسئولیت‌ها

واقعیت این است که انسجام ملی صرفاً با توصیه به صبر و گذشت یک جناح شکل نمی‌گیرد؛ بلکه نیازمند رفتار عادلانه، کنترل تریبون‌های رسمی و پرهیز از دوگانگی در برخوردهاست. وقتی رسانه ملی خود نقش بازیگر جناحی می‌گیرد، چگونه می‌توان از دیگران انتظار خویشتن‌داری داشت؟ وحدت ملی زمانی شکل می‌گیرد که گروه‌های مختلف جامعه، از جمله مخالفان و منتقدان، احساس کنند که سهمی در روایت رسمی کشور دارند. وحدتی که بر پایه سکوت و انفعال یک جناح شکل بگیرد، بیشتر شبیه «انضباط اجباری» است تا «اتحاد مقدس». وقتی از اصلاح‌طلبان خواسته می‌شود برای حفظ وحدت، سکوت کنند در واقع از آنان خواسته می‌شود از حق طبیعی خود برای دفاع از حیثیت، منافع و تحلیل‌های سیاسی‌شان صرف‌نظر کنند. این در حالی است که همان نهادهایی که باید مانع تخریب شوند، خود بستر اصلی آن هستند. به بیان دیگر «اتحاد مقدس» وقتی معنا دارد که طرفین دعوا، قواعد یکسانی داشته باشند. نمی‌توان یک جناح را به سکوت و خویشتن‌داری دعوت کرد و جناح دیگر را به ابزارهای رسمی قدرت مجهز ساخت تا هر روز در تریبون‌های عمومی حمله کند.

همان‌طور که لاریجانی و پورمحمدی گفته‌اند، مهم‌ترین دغدغه امروز کشور، حفظ منافع ملی و جلوگیری از فرسایش اجتماعی است. اما در تجربه سیاسی چند دهه گذشته، این اتحاد اغلب به‌صورت گزینشی تفسیر شده است. زمانی که اصلاح‌طلبان خواستار شفافیت، پاسخگویی و نقد سازنده می‌شوند به «برهم‌زننده وحدت» متهم می‌شوند اما هنگامی که جریان مقابل، از تریبون‌های رسمی، چهره‌ها و نهادهای اصلاح‌طلب را آماج حمله قرار می‌دهد، آن رفتار به نام «انقلابی‌گری» یا «روشن‌گری» توجیه می‌شود.

در این چارچوب، لازم است ابتدا به این پرسش پاسخ داده شود که چه کسی بیشترین سهم را در فرسایش اعتماد عمومی دارد؟ اصلاح‌طلبان که دهه‌هاست با وجود همه محدودیت‌ها از گفت‌وگو و انتخابات سخن می‌گویند، یا رسانه‌هایی که سال‌هاست با دوگانه‌سازی، حذف و برجسب‌زنی، جامعه را دوقطبی کرده‌اند؟ انتظار از اصلاح‌طلبان برای مراقبت از انسجام ملی تا زمانی که دستگاه‌های رسمی در برابر نفرت‌پراکنی داخلی سکوت می‌کنند نه‌تنها منصفانه نیست بلکه نشانه‌ای از وارونگی مسئولیت‌هاست. انسجام ملی تنها در سایه عدالت رسانه‌ای، انصاف در برخورد با صداها و مختلف و مهار تخریب‌گران ممکن است. اگر قرار باشد امنیت فقط برای یک جناح معنا داشته باشد، آن وقت چیزی که باقی می‌ماند، نه اتحاد مقدس بلکه سکوت مقدور است.

دعوت به آرامش و پرهیز از نزاع‌های سیاسی در شرایط حساس امروز، سخنی درست و ضروری است؛ اما این دعوت تنها زمانی اثر دارد که خطابش عام باشد، نه خاص. شورای عالی امنیت ملی اگر به دنبال تقویت انسجام واقعی است باید شجاعانه به صداوسیما، تریبون‌های رسمی و روزنامه‌هایی که از خط قرمز انصاف عبور کرده‌اند، هشدار دهد چراکه وحدت با سرکوب تفاوت‌ها و تحمیل سکوت بر نیمی از جامعه به دست نمی‌آید آن هم در شرایطی که تفرقه همچنان از حاکمیت تریبون‌های یک‌سویه تغذیه می‌کند.

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ترجمان هرگ، حضور جاودانه انسان در محضر خداست

جناب آقای سیدمصطفی تاج‌زاده

ضایعه درگذشت برادر گرانقدر جنابعالی باعث تأثر و تالم فراوان گردید.

بدین‌وسیله مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید. برای ایشان، رحمت و غفران واسعه الهی و برای شما و خاندان معزز، صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

حزب کارگزاران سازندگی ایران

كُلُّ مَنْ عَلَيهَا فَاَنٍ

برادر ارجمند

جناب آقای سیدمصطفی تاج‌زاده

خواهر گرامی

سرکار خانم فخرالسادات محتشمی‌پور

با کمال تأسف و تأثر درگذشت مرحوم سیدمحمد تاج‌زاده را

تسلیت عرض می‌نمایم.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایشان باد.

سیدحسین مرعشی



روایت آمریکایی

ونس و مالی از جنگ ۱۲ روزه گفتند



آمریکا به عراق اشتباه بوده، ترامپ بود».

وی در پاسخ به پرسشی درباره بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران توسط دولت ترامپ، افزود: نگرانی از تشدید تنش‌ها وجود ندارد زیرا ترامپ «با دقت عمل کرده و قصد نداشته، صد هزار نیرو به ایران اعزام کند». او ادامه داد: «چند ماه پیش برخی ادعا می‌کردند، رئیس‌جمهور می‌خواهد ما را وارد جنگ تغییر رژیم برای اسرائیل کند اما این شایعه اشتباه بود. ترامپ قصد نداشت وارد چنین جنگی شود؛ هدفش از بین بردن تأسیسات هسته‌ای ایران و بازگرداندن نیروها به خانه بود و این هدف محقق شد». معاون رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد که ترامپ ابتدا فرصت داده بود تا ایران تأسیسات هسته‌ای خود را به‌طور مسالمت‌آمیز کنار بگذارد و هنگامی که ایران نپذیرفت، ترامپ اعلام کرد که آمریکا اقدام خواهد کرد اما نه به روش مسالمت‌آمیز. او سیاست خارجی ترامپ را چنین خلاصه کرد: «ترامپ در مواجهه با درگیری‌های خارجی محتاط است و در عین حال، در صورت نیاز، از توان نظامی آمریکا بهره می‌گیرد».

اظهارات جسی دی ونس در حالی مطرح می‌شود که رابرت مالی، نماینده پیشین آمریکا در امور ایران، دیدگاهی متفاوت دارد. مالی در گفت‌وگو با آئن گرش، روزنامه‌نگار فرانسوی در

گروه بین‌الملل: جسی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا در تازه‌ترین مصاحبه خود به تشریح دقیق رویکرد و دیدگاه‌های دونالد ترامپ در حوزه سیاست خارجی پرداخت و بخشی از صحبت‌هایش به جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل و نقش واشنگتن در آن اختصاص یافت.

ونس در مورد حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران و با تکرار مواضع دولت آمریکا، تأکید کرد که ترامپ قصد اعزام نیرو به ایران را نداشته و همزمان توضیح داد که رئیس‌جمهور آمریکا، نگران تشدید تنش‌ها نیست چراکه «هم در برخورد با درگیری‌های خارجی محتاط است و هم در صورت لزوم از قدرت نظامی ایالات متحده بهره می‌گیرد».

معاون رئیس‌جمهور آمریکا که خود سابقه حضور در جنگ عراق را دارد، تصریح کرد که ترامپ و جریان «ماگا» را منزوی طلب نمی‌داند و آنها را در زمینه دخالت در درگیری‌های خارجی «بسیار محتاط» توصیف کرد. او با اشاره به تجربیات تاریخی گفت: «در طول عمرم هر بار که آمریکا وارد یک درگیری خارجی شد، نتیجه آن فاجعه‌آمیز بوده است».

ونس همچنین به موضع ترامپ در انتخابات مقدماتی سال ۲۰۱۶ اشاره کرد و یادآور شد: «تنها کسی که اعلام کرد ورود

ادامه تیتربک

پیروزی دیپلماسی

چین همچنین اعلام کرد، خریدهای عمده محصولات کشاورزی از آمریکا، از جمله سویا، را از سر خواهد گرفت. برخی گزارش‌ها از توافق چند ساله در این زمینه خبر داده‌اند، گرچه جزئیات آن هنوز نهایی نشده است. علاوه بر این دو کشور توافق کردند، همکاری‌های خود را در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و کنترل مواد پیش‌ساز فتانتیل تقویت کنند. از نگاه واشنگتن، این بخش از توافق یکی از محورهای کلیدی کاهش تعرفه‌ها محسوب می‌شود. در مجموع، تصمیم‌های اتخاذ شده، نوعی آتش‌بس اقتصادی موقت به شمار می‌رود که از گسترش جنگ تعرفه‌ای جلوگیری کرده و زمینه گفت‌وگوهای بیشتر را فراهم می‌کند.

بازارهای مالی جهانی بلافاصله به این دیدار واکنش مثبت نشان دادند. انتشار خبر کاهش تعرفه‌ها موجب افزایش شاخص‌های بورس در آمریکا و آسیا شد و سرمایه‌گذاران از احتمال توقف جنگ تجاری استقبال کردند. تعلیق محدودیت‌های صادرات عناصر کمیاب و از سرگیری خرید سویا از آمریکا نیز باعث شد، نگرانی‌ها از شوک احتمالی در عرضه جهانی کاهش یابد.

ترامپ پس از دیدار، این نشست را «بسیار موفق» توصیف کرد و گفت، توافق حاصل شده به نفع کارگران و کشاورزان آمریکایی خواهد بود. مقامات کاخ سفید نیز از آن به عنوان «پیروزی دیپلماسی اقتصادی» یاد کردند. ترامپ در شبکه اجتماعی تروث سوشیال نوشت: «چین موافقت کرده است جریان آزاد عناصر کمیاب، مواد معدنی حیاتی و آهن‌رباها را حفظ کند. همچنین مذاکراتی برای خرید انرژی از ایالات متحده آغاز شده که ممکن است به معامله‌ای بزرگ در زمینه نفت و گاز از آلaska منجر شود. تیم‌های انرژی دو کشور، از جمله کریس رایت و داگ برگوم، به‌زودی برای بررسی این توافق دیدار خواهند کرد».

در سویی دیگر، رئیس‌جمهور چین نیز در جریان دیدار با ترامپ بر همکاری و گفت‌وگوی سازنده تأکید کرد. او گفت: «آقای رئیس‌جمهور، من آمادام با شما همکاری کنم. از شما تشکر می‌کنم که در پی ایجاد صلح هستید و مسائل جهانی را حل می‌کنید. ما نیز همانند شما در موضوع تایلند و کامبوج برای ایجاد صلح تلاش کرده‌ایم. چین به عنوان یک کشور بزرگ، مسئولیت خود را برای حفظ صلح و ثبات در جهان بر عهده می‌گیرد. امروز اینجا هستیم تا مسائل دو کشور و جهان را با هم بررسی کنیم».

به نوشته نیویورک تایمز، شی در ادامه با لحنی شبیه استاد دانشگاه خطاب به ترامپ گفت: «پیچ‌وخم‌های اخیر جنگ تجاری باید برای هر دو کشور درس آموز باشد. دو طرف باید تصویر بزرگ‌تر را ببینند و بر منافع بلندمدت همکاری تمرکز کنند نه اینکه در چرخه معیوب اقدامات تلافی‌جویانه گرفتار شوند».

در پکن سخنگوی وزارت خارجه چین، دیدار بوسان را گامی سازنده برای ثبات اقتصادی جهان توصیف کرد. او بر «گفت‌وگوهای عمیق و اقدامات عملی» برای حفظ ثبات تأکید کرد و رسانه‌های



پاسخ به این پرسش که آیا از مشارکت مستقیم دولت ترامپ در حملات رژیم صهیونیستی علیه ایران طی جنگ ۱۲ روزه متعجب شده و این تصمیم را چگونه در چارچوب سیاست ترامپ تفسیر می‌کند، گفت: «در مورد رئیس‌جمهور ترامپ، در عین اینکه همه چیز تعجب‌برانگیز است، هیچ چیز مرا متعجب نمی‌کند. شما اظهارات روزانه او را دنبال می‌کنید سپس یک روز خلاف همه حرف‌هایش عمل می‌کند. من فکر می‌کردم او واقعا به یک توافق با ایران علاقه دارد. ارتباطات مستقیم بیشتری بین دولت ترامپ و دولت ایران نسبت به دولت بایدن وجود داشت. نقاطی برای گفت‌وگو وجود داشت. از سوی دیگر، پایگاه انتخاباتی او به شدت مخالف مداخله نظامی بود». مالی با اشاره به تلاش‌های اسرائیل و ناکارآمدی سامانه‌های پدافند هوایی این رژیم در رهگیری حملات

دولت در دست بررسی دارد و در چین نیز اجرای توافق نیازمند هماهنگی دقیق میان نهادهای گمرکی، بازرگانی و صنعتی است. تحلیلگران هشدار داده‌اند که راستی‌آزمایی تعهدات و پایبندی عملی دو کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در دوام این آتش‌بس دارد.

برخی کارشناسان معتقدند که چین در این نبرد اقتصادی، دست بالا را دارد زیرا دولت ترامپ هدف روشنی در مذاکرات نداشت. آنان دیدار بوسان را نوعی وقفه تاکتیکی و تنفس دیپلماتیک می‌دانند که مانع از تشدید بحران می‌شود اما رقابت ژئوپلیتیکی را متوقف نمی‌کند. چین با در اختیار داشتن بازار عناصر کمیاب و آمریکا با کنترل بازار مصرف و تعرفه‌ها، هر دو ابزار فشار مهمی در اختیار دارند. در زمینه کنترل مواد پیش‌ساز فتانتیل نیز ناظران بین‌المللی بر ضرورت ارزیابی عملکرد عملی چین تأکید کرده‌اند.

اشاره ششی به «پیچ‌وخم‌ها» نیز به ماه‌ها کشمکش تجاری و محدودیت‌های صادراتی میان واشنگتن و پکن ارتباط داشت. اوایل همین ماه، چین با اعلام محدودیت‌های گسترده در فروش عناصر کمیاب که برای تقریباً تمام فناوری‌های مدرن حیاتی‌اند، موضع خود را در برابر واشنگتن تقویت کرد. به گفته تحلیلگران، توقف صادرات این مواد می‌تواند، صنایع آمریکایی را با بحران جدی مواجه کند.

نیویورک تایمز به نقل از جاناتان زین، پژوهشگر مؤسسه بروکینگز، نوشت: «هدف ظاهری این نشست پرداختن به مشکلات بنیادی روابط تجاری دو کشور بود اما در عمل، بازی موش و چکش را برای دولت ترامپ به‌خوبی کارگرانی کرده است». ارزیابی‌های مختلفی از دیدار رهبران آمریکا و چین ارائه می‌شود. برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که هر پیشرفتی که در روز پنج‌شنبه حاصل شد، ممکن است با اقدام یک‌جانبه هر طرف از میان برود. از آنجا که توافق نهایی هنوز امضا نشده، مشخص نیست این آرامش تا چه مدت پایدار خواهد بود. ماه گذشته توافقی مشابه لغو شد، زمانی که واشنگتن، فهرست شرکت‌های چینی ممنوع از دسترسی به فناوری آمریکایی را گسترش داد و پکن در پاسخ، کنترل صادرات عناصر نادر را اعلام کرد. همین مساله موجب شد، ترامپ تهدید کند که دیدار بوسان را لغو کرده و تعرفه‌های بیشتری وضع خواهد کرد.

از طرف دیگر اگرچه رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که مسائل مربوط به تایوان، نفت روسیه و تراشه پیشرفته بلک‌ول شرکت انودیا در جریان دیدار با همتای چینی مطرح نشده اما کارشناسان دیدار ترامپ و ششی در بوسان را گامی مهم برای جلوگیری از تشدید جنگ اقتصادی میان آمریکا و چین تلقی می‌کنند.

در مجموع باید در نظر داشت که نشست اخیر هنوز نتوانسته مسیر رقابت استراتژیک دو کشور را تغییر دهد. توافق‌های انجام شده بیشتر جنبه سیاسی و کوتاه‌مدت دارند و موفقیت آنها به اجرای دقیق و پایبندی هر دو کشور بستگی دارد. بنابراین چنین دیداری بیش از آنکه آغاز آشتی باشد، توقفی موقت در رقابتی طولانی و پرهزینه میان واشنگتن و پکن است.

آمریکا

سنا علیه ترامپ

ضربه دمکرات‌ها به جنگ تجاری آمریکا

سنای آمریکا روز پنج‌شنبه موضعی علیه تعرفه‌های جهانی دونالد ترامپ که بیش از ۱۰۰ کشور را تحت تأثیر قرار می‌داد، گرفت و به لغو آنچه «تعرفه‌های متقابل» نامیده می‌شود، رأی داد. چهار جمهوری خواه به همراه همه دمکرات‌ها به این قطعنامه رأی دادند و نتیجه ۵۱ به ۴۷ شد. این قطعنامه به دنبال پایان دادن به تعرفه‌های پایه‌ای بود که رئیس‌جمهور از طریق فرمان اجرایی وضع کرده بود. این سومین بار در هفته جاری است که جمهوری‌خواهان در کنار دمکرات‌ها به قطعنامه‌ای درباره تعرفه‌ها رأی می‌دهند؛ پیش‌تر برای پایان دادن به تعرفه‌های اعمال شده علیه برزیل و کانادا متحد شده بودند. مخالفت با ترامپ در دوره دوم ریاست جمهوری او برای جمهوری‌خواهان نادر است اما سناتورهای جمهوری خواه سوزان کالینز از مین، میچ کانل و رند پال از کنتاکی و لیزا مورکوفسکی از آلاسکا به حزب مخالف پیوستند. این رأی‌گیری در حالی صورت گرفت که ترامپ هفته‌ای را در آسیا به پایان می‌رساند و در آنجا با چین توافق کرد تا تعرفه‌های واردات کالاهای چینی به آمریکا کاهش یابد و چین میزان خرید سویا از آمریکا را افزایش دهد؛ موضوعی که در جنگ‌های تجاری، کشاورزان را نگران کرده بود. با وجود مخالفت‌ها در سنا به نظر نمی‌رسد، مجلس نمایندگان اقدام مشابهی انجام دهد. جمهوری‌خواهان مجلس اوایل سال جاری قانونی تصویب کردند که مانع از آن می‌شود، قطعنامه‌های مرتبط با تعرفه‌ها به رأی‌گیری در صحن برسند. قطعنامه‌های تعرفه‌ای، خود تعرفه‌ها همچنین تجاوز ترامپ از اختیاراتش و دور زدن کنگره را محکوم می‌کنند. سناتور تیم کین، دمکرات ویرجینیا به خبرنگاران گفت که این مخالفت نمادین باید توجه رئیس‌جمهور را جلب کند. کین گفت: «در دوره اول ترامپ یاد گرفتم که رئیس‌جمهور به چنین اقداماتی واکنش نشان می‌دهد. وقتی می‌بیند جمهوری‌خواهان شروع به رأی دادن علیه سیاست‌های او می‌کنند، حتی در تعداد کم، روی او تأثیر می‌گذارد و اغلب باعث می‌شود، رفتار خود را تغییر دهد».

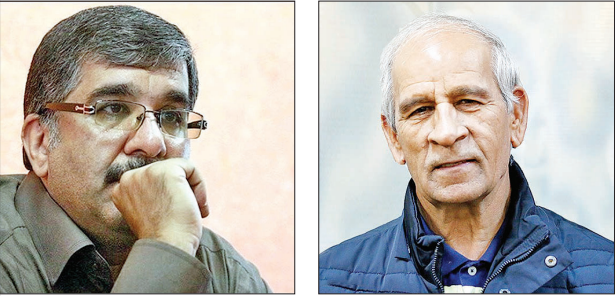


دیدگاه: یادداشت ادبی

خاطره و خاطره‌نگاری

یادداشت قاسمعلی فراست

دربارهٔ کتاب تازه احمد دهقان



دهقان را نمی‌شود دوست نداشت. با کسی که روبه‌رو می‌شود، مهم نیست او را بشناسد یا نه. لبخند و روی بازش هدیه‌ای است همگانی. با این خصلت ادا در نمی‌کند، این ویژگی، ذاتی و جزو شخصیت و هویت اوست. افتخار آشنایی من با دهقان به سال‌های نخستین تأسیس حوزهٔ اندیشه و هنر اسلامی (حوزهٔ هنری فعلی) برمی‌گردد. ابتدا جذب رفتارش شدم. بعد که اولین رمانش «سفر به گرای دویست و هفتاد درجه» را خواندم، مجذوب‌تر شدم. آن‌جا نشان داد که ذاتاً نویسنده است. این توانایی قلمی و سلوک رفتاری، باعث شد دل به وجودش گره زَم و رهایش نکتم. کتاب «سفر به گرای دویست و هفتاد درجه» اش در جشنوارهٔ بیست سال داستان‌نویسی ایران، موفق به دریافت جایزه شد. از آثار دیگر ایشان می‌توان به این عناوین اشاره کرد: «ماموریت تمام»، «لحظه‌های اضطراب»، «روزهای آخر»، «ستاره‌های سسلمچه»، «گردان چهار نفره»، «هجوم»، «من قاتل پسران هستم»، «دشتبان»، «پرسه در خاک غریبه»، «ایچه‌های کارون» و «جشن جنگ».

«خاک و خاطره» آخرین نوشتهٔ دهقان است. کتاب، این بار داستان نیست. خاطره هم نیست. دربارهٔ خاطره و شیوه‌ها و نگرهای خاطر‌نگاری است. نویسنده در این اثر به معرفی و گونه‌های مختلف خاطره‌نگاری می‌پردازد و برای ملموس‌تر شدن مطلب برای مخاطب، کنار هر گونه‌ای که بر می‌شمرد، شاهد مثالی هم با ذکر دقیق منبع ارائه می‌کند. او در این اثر توضیح می‌دهد که انسان‌گرایی یا اومانیسزم از دورهٔ رنسانس شکل گرفت و از همین دوره است که سرنوشت انسان به‌عنوان یک فرد (و نه عضوی از اجتماع) معنا پیدا می‌کند. لذا خاطره‌نگاری نیز به‌عنوان ژانری برای بازگویی حالات، آتات، پسندها و ناپسندهای شخصی از همین تاریخ انتخاب می‌شود. لازم می‌دانم در این خصوص اشاره کنم که سفرنامه‌نویسی (که آن ژانر هم نوعی شخصی‌نویسی است)، بسیار پیش از خاطر‌نویسی شروع شده. برای مثال سفرنامه ناصرخسرو، اوایل قرن پنجم هجری نوشته می‌شود و از چنان قدرت قلمی برخوردار است که هنوز، هم مخاطب دارد و هم جذابیت. پس از آن دیگران هم دست به قلم می‌شوند تا نوبت به افرادی مانند عصمت‌السلطنه (ماه پسر خانم) می‌رسد و بعد معاصرینی چون برادران امیدوار، استاد باستانی پاریزی، استاد گلشیری و...

شاید قالبی که نویسنده پیش از هر قالب دیگر «من» وجودش را در آن تصویر می‌کند، همین قالب خاطر‌نویسی است. ما در داستان، پاره یا پاره‌هایی ازخودمان را– آن هم به شکل غیرمستقیم– به تصویر می‌کشیم ولی وقتی خاطره‌نگاری می‌کنیم، با خویشتن بی‌پرده خود روبه‌رویم. با خویشتن خویش. در این قالب، آینه‌ای به دست می‌گیریم و قسمت یا قسمت‌هایی از خود واقعی‌مان را در آن باز می‌تابانیم. نویسنده در تقسیم‌بندی‌های حرفه‌ای که در کتاب کرده برای هر قسمت، نمونه‌هایی هم ارائه می‌دهد. چراکه معتقد است شاهد و مثال، منظور را روشن‌تر و ملموس‌تر خواهد کرد. بین مثال‌هایی که در نوشته آمده، ناگهان به خاطره‌ای رسیدم که به محض خواندن، بغض کردم. چنانکه بی‌اختیار و با صدای بلند، هم‌قق گریستم. اصلاً حواسم نبود که کسی در خانه هست یا نه؛ مهم هم نبود. با گریه بی‌اختیار چه می‌شود کرد؟ صحنهٔ اشک‌آور نوشته، جایی است که یعقوب مرادی از اسارت برمی‌گردد. مادرش سال‌ها منتظر و چشم‌په‌راه او بوده و بدون دیدنش فوت می‌کند. یعقوب شنیده‌های خواهرش دربارهٔ مادر را (که در بستر بیماری بوده) می‌شنود و این دستور را می‌نویسد: «... خواهرم گفت، مادر خیلی به یاد شما بود... قبل از رحلت از ما خواست طوری قرارش دهیم که رویش طرف در اتاق باشد. همیشه چشمش به در بود و می‌گفت ممکن است یعقوب برگردد... حالش بدتر شد... خواست عکس تو را برایش ببرم. عکس را بردم و برابر چشم‌هایش گرفتم. به دقت نگاه کرد. عکس را روی سینه‌اش گذاشتم. همان دم دو دستش را روی عکس گذاشت و انگار سال‌هاست به دیدار خدا رفته...».

صفحهٔ ۱۴۶ کتاب در قسمتی از خاطرات فرهاد ساسانی آمده است: «... قهرمانان تقریباً به درد خاطرات جنگی نمی‌خورند. خیلی به کانون ارزش‌های جنگی نزدیکند و چه بخواهند و چه نخواهند به شکل شعارهایی روی پرچم‌ها و روی پوست‌ها می‌نشینند». این جانی نمی‌توانم منظور نویسنده را دریابم. چرا قهرمانان به درد خاطرات جنگی نمی‌خورند؟! چه اشکال دارد که ما از این منظر و زاویه هم به وقایع نگاه کنیم؟ آیا چون قهرمان بوده‌اند خاطرات‌شان نمی‌تواند مفید باشد؟ آیا همین ویژگی قهرمان بودن باعث نمی‌شود، خاطرات این دسته از افراد مهم‌تر و قابل‌تأمل‌تر باشد؟ کی گفته است تنها خاطرات رزمنده‌های معمولی به درد ثبت می‌خورد و قهرمانان نه؟! راستش منظور نویسنده را از این نکته دریافتم. در صفحهٔ ۱۴۸ کتاب آمده است: «یادداشت‌های روزانهٔ فارسی به علت این‌که بیشتر توسط دولتمردان، سیاستمداران یا افراد دربار نوشته شده از ارزش تاریخی، سیاسی و اجتماعی برخوردار است.» اجازه می‌خواهم با این برداشت خیلی موافق نباشم چراکه حکام و درباریان ترجیح می‌دهند، وقایع روزگار در راستای تأیید حکومت و خواست‌های آنان ثبت شود. تاریخ نشان داده که حکام برای رسیدن به این منظور اتفاقاً مورخان موافق و هم رأی خود را به کار گماشته و به آن‌ها پول داده‌اند تا وقایع مطابق میل آن‌ها ثبت شود. گمان می‌رود، قابل‌اعتناترین روزنگاشت‌های تاریخی، آناری هستند که بی‌طرف و بدون دخالت حکام رقم می‌خورند. در طول تاریخ چند حاکم و امیر می‌شناسیم که اجازه داده‌اند بی‌عدالتی‌ها، جاه‌طلبی‌ها و قتل‌های ناعادلانه احتمالی‌شان ثبت و ضبط شود و به فرض که چنین اتفاقی هم رخ داده باشد، پس از دریافتن موضوع، واکنش نشان نداده باشند؟ کتاب «خاک و خاطره»، جذاب و خواندنی است. چنان‌که برخی از مطالب را بی‌اختیار دوباره‌خوانی می‌کردم. جلد کتاب هم پرایم جذاب بود؛ همان‌طور که اسم کتاب. هم‌خوانی تصویر نویسنده روی جلد با اسم و متن کتاب نیز هوشمندانه است. چراکه خاطرات، اصولاً ما را با خود همراه و گاه درگیر می‌کنند. به همین دلیل روی جلد، عکسی از نویسنده می‌بینیم که با خود خلوت کرده و سخت به فکر فرورفته.

منبع: خبرگزاری مهر

در میان علم و راز

نقد و بررسی کتاب چرا به باورهایمان باور داریم؟ با حضور مصطفی ملکیان و محسن جوادی

الهیات عصب‌شناسی

حسین وفاپور، مترجم کتاب هم طی سخنانی، الهیات عصب‌شناسی را حوزهٔ جدیدی دانست که بیش از دو سه دهه قدمت ندارد و با پیشرفت تکنولوژی‌های تصویربرداری نقشه مغزی، برخی اندیشمندان که در حوزه عصب‌شناسی و الهیات کار کرده‌اند، کوشیده‌اند که با تلفیق این دو حوزه تقریباً نامتجانس به این موضوع بپردازند. به‌باور مترجم «از آنجا که نورولوژی به علوم تجربی نزدیک است، دانشمندان تلاش داشته‌اند با تلفیق الهیات با حوزه‌های مذکور، برخی کنش‌های معنوی دین‌داران را تصویربرداری کنند تا بتوانند، تجربیات و نتایجی به دست آورند که بسیار مفید بوده و از این کتاب‌ها هم استقبال شده است.» او ضمن اشاره به وجود مرکز ملی نقشه‌برداری و تصویربرداری مغز در ایران، خاطرنشان کرد: «متأسفانه کار گروهی کم انجام می‌شود و این کار تخصصی هم بسیار محدود و در حد چند رساله کار شده و تداوم نداشته است.» وفاپور در تبیین سوابق مولف، او را نورولوژیستی دانست که هم‌زمان در مرکز مطالعات معنوی و ذهنی دانشگاه پنسیلوانیا مشغول به کار است و پژوهش اصلی‌اش، بررسی علمی و زیستی تجارب معنوی و عرفانی با استفاده از تجهیزات پزشکی است. مترجم در ادامه به ساختار کتاب مشتمل بر سه بخش اصلی اشاره کرد و افزود: «کتاب با تمرکز بر الهیات عصب‌شناختی، شکل‌گیری باور دینی و مذهبی را بررسی می‌کند. مولف بر آن است تا در این کتاب، نشان دهد که فرآیند شکل‌گیری باور در انسان به چه شکل است و نتایج مثبت و منفی عملی آن چیست. او همچنین در پی راه‌های جلوگیری از باورهای افراطی و تقویت باورهای موثر بر زندگی عملی انسان است.»

بررسی ارتباط میان دین و مغز

مصطفی ملکیان نیز در سخنانی، عمده تمرکز کتاب را الهیات اعصاب یا الهیات عصب‌شناختی دانست و گفت: «مولف در کتاب تصریح می‌کند که کل پروژه من، برقراری ارتباط دین با مغز بشر است. اگر بخواهیم عنوان کتاب را به فارسی ترجمه کنیم، این خواهد بود که چرا به آنچه باور داریم، باور داریم. مترجم در ترجمه عنوان اثر، «آنچه

جلسهٔ نقد و بررسی کتاب «چرا به باورهایمان باور داریم؟» نوشته اندرو بی. نیوبرگ و مارک رابرت‌والدمن با ترجمهٔ حسین وفاپور، حمید امیرچقماقی و حسین تقفی‌هیر، عصر ۶ آبان ۱۴۰۴ در موسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

به گزارش اینتا در ابتدای این جلسه که با حضور حسین وفاپور، مصطفی ملکیان و محسن جوادی همراه بود، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی نگارستان اندیشه در توضیحاتی، کتاب را حاصل اندیشه عصب‌شناس و نورولوژیستی آمریکایی معرفی کرد که در حوزه‌های تصویربرداری از مغز و پژوهش‌های دقیق علمی و پزشکی در دانشگاه پنسیلوانیا و بیمارستان دانشگاه توماس جفرسون تبحر داشته و دارای روزمه علمی بسیار قوی است. به‌باور حیدرنیا، مولف به‌صورت موازی در حوزه مطالعات دین و تجربه‌های معنوی، پژوهش‌های معنوی انجام داده و کوشیده این دو عرصه را به‌صورت تطبیقی بررسی کند.

محسن جوادی، استاد فلسفه اخلاق و معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سخنرانان این نشست بود که بسیار کوتاه سخن گفت. جوادی در آغاز سخن به ترجمهٔ خوب کتاب با اطلاع قبلی مولف اثر اشاره کرد و گفت: «این مطالب پیش‌تر در آثار نویسندگانی چون فروید و مارکس هم نوشته و بررسی شده است». او در ادامه به اشکال این کتاب در عدم توجه به نقدها بر مطالب کتاب اشاره کرد و گفت: «من ندیدم که در این کتاب به نقد فلاسفه‌ای چون پلاتینگا و دیگرانی که به این اثر نقدهای خوب داشتند، توجه شود.

پلاتینگا در یکی از آثار خود با نام Warranted Christian Belief به نقد چنین رویکردهایی می‌پردازد و معتقد است، همبستگی و زایدگی مفهوم فکرت خدا از یک فعالیت مغزی، اساساً نمی‌تواند درون‌مایه آن را نشان دهد و توضیحی در خصوص متافیزیک آن داشته باشد.» او به نقد دیگر خود در خصوص کتاب پرداخته و خاطرنشان کرد: «ترجمهٔ نوروتولوژی به الهیات عصب‌شناختی ترجمه خوبی نیست، ما در مورد عصب، بحث الهیاتی نداریم، در مورد الهیات، بحث عصب داریم. عصب‌شناسی الهیاتی شاید بهتر باشد».

انیمیشن

خانواده شرور و مخرب

انیمیشن **تویت‌ها برگرفته از داستان رولد دال است و فضای متفاوتی دارد**

انیمیشن «تویت‌ها» اثری در ژانر کمدی سیاه و ماجراجویی است که برای یک فیلم انیمیشن کمی عجیب به نظر می‌رسد که در این ژانرها تولید شود. داستان درباره دو کودک یتیم به نام بازی و بیشاس که تلاش می‌کنند شهر خود را از دست آقا و خانم تویت، انسان‌هایی شرور و بدرفتار، نجات دهند. این انیمیشن اقتباسی از یکی از آثار رولد دال است و همانند دیگر نوشته‌های او با داستانی روبه‌رو هستیم که در عین تخیل، بازتابی از واقعیت‌های انسانی دارد. فضای ناهنجار و نوع روایت اثر سبب می‌شود که تماشای آن برای کودکان زیر ۱۰ سال مناسب نباشد. درون‌مایه اصلی انیمیشن بر اهمیت همدلی، مهربانی برای داشتن زندگی‌ای بهتر در کنار یکدیگر تأکید دارد. آوریل ۲۰۲۲ پس از خرید رولد دال کامپنی توسط نتلیکس، خبری منتشر شد که یک فیلم بلند توسط نتلیکس ساخته خواهد شد. سپتامبر ۲۰۲۳ همزمان با انتشار اولین تصویر از این فیلم، اعلام شد که فیل جانستون، کارگردانی فیلم و نوشتن فیلم‌نامه را با مگ فرویو بر عهده دارد. جانستون، فیلم‌نامه را با همکاری مگ فرویو از روی داستانی از کیرک دمیکو و جان کلیز نوشته

است که بر پایه رمان کودکان با همین نام، اثر رولد دال در سال ۱۹۸۰ است که یکی از اقدامات بزرگ تفلیکس برای تصاحب بازار انیمیشن محسوب می‌شود. به همین دلیل بود که آنها به سراغ فیل جانستون، کارگردان انیمیشن «رالف اینترت را خراب می‌کند» برای کارگردانی انیمیشن «تویت‌ها» رفته‌اند تا با جذب او از دیزنی قدمی مهم بردارند.

آثار رولد دال معمولاً دنیایی فانتزی، عجیب و گاه ترسناک دارند. در این داستان‌ها، شخصیت‌های شرور با رفتارهای اغراق‌آمیز و طنزآلود به تصویر کشیده می‌شوند و در کنار آن، قهرمانانی خردسال و شجاع حضور دارند که با مهربانی، هوش و پشتکارشان بر بدی‌ها غلبه می‌کنند. انیمیشن «تویت‌ها» که بر اساس یکی از همین آثار ساخته شده است، فضایی تاریک اما طنزآمیز دارد؛ جایی که رفتارهای ناپسند آقا و خانم تویت در کنار شجاعت و همدلی شخصیت‌های کودک قرار می‌گیرد. تماشای چنین اثری برای کودکان ۱۰ ساله و بالاتر می‌تواند فرصتی برای گفت‌وگو درباره مفاهیم مهمی مانند خوبی و بدی، مهربانی و پیامد رفتار انسان‌ها

فراخوان آگهی مناقصه دو نوبته

- سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری قزوین در نظر دارد، به استناد مجوز شورای محترم اسلامی شهر قزوین به شماره۱۴۰۴/۳/۲۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ **پروژه حفظ و نگهداری فضای سبز سطح شهر قزوین سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ مجموعه کاج** را به شرکت های واجد صلاحیت (دارای رتبه ۱ تا ۵ در رشته کشاورزی و فضای سبز یا رتبه ۱ تا ۷ وزارت تعاون ، کار و امور اجتماعی) واگذار نماید. لذا متقاضیان میتوانند جهت اطلاع از شرایط و دریافت اسناد مناقصه به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه و اسناد مذکور را دریافت نمایند.
- برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) میباشد و به صورت مناقصه عمومی با شرکت‌های دارای صلاحیت قید شده در اسناد مناقصه و مناقصه گرانی که در مرحله ارزیابی کیفی پذیرفته شده باشند اقدام می‌گردد. پاکت‌های استعلام ارزیابی، الف، ب و ج می‌بایست در سامانه بارگذاری شده و اصل سپرده شرکت در مناقصه (پاکت الف) به میزان مندرج در اسناد به دبیرخانه سازمان تحویل گردد.
- مناقصه‌گران ابتدا ارزیابی کیفی شده و در صورت پذیرفته شدن در فرآیند ارزیابی، نسبت به بازگشایی پاکت‌های الف، ب و ج آن‌ها اقدام خواهد شد.
- تضمین شرکت در مناقصه: ۱۰۰,۴۶۶,۱۲۷,۸۸۳ ریال می باشد
- تاریخ انتشار آگهی (دو نوبت در روزنامه کثیرالانتشار):درسامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ و ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ می‌باشد.
- ضمناً هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- آدرس: قزوین خیابان بوعلی قطاع نواب تلفن: ۰۲۸-۳۳۲۲۷۰۰۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

محمد صالح صالحی – مدیر عامل



سال هشتم شماره ۲۱۰۱
شنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۴

دیدگاه: یادداشت سینمایی

چرخه پویا

سینما چگونه فرهنگ عمومی را شکل می دهد



مهرزاد دانش

منتقد

چهارشنبه این هفته، ۱۴مهر، روز فرهنگ عمومی است. فرهنگ عمومی به مجموعه‌ای از دانسته‌ها، باورها، رفتارها، آداب و رسوم و مهارت‌هایی گفته می‌شود که عموم مردم در یک جامعه با آنها آشنا هستند و آنها را داوطلبانه و با اختیار در زندگی روزمره خود به کار می‌برند. به عبارت دیگر این اصطلاح معمولاً به رفتارهای روزمره، انتخاب‌های رسانه‌ای و تعاملاتی اجتماعی اشاره دارد که توسط اکثریت جامعه پذیرفته شده و از آن پیروی می‌شود. اما نسبت سینما به عنوان پدیده‌ای که در سه وجه هنر، رسانه و ابزار سرگرم‌کننده کارکرد دارد با این مفهوم چیست؟

سینما به عنوان یکی از تأثیرگذارترین و پرنفوذترین رسانه‌ها، نه تنها انعکاس‌دهنده فرهنگ عمومی است بلکه توانایی شکل‌دهی و تغییر آن را نیز دارد. این رابطه دوطرفه به شکلی است که سینما می‌تواند بر فرهنگ عمومی تأثیر بگذارد و فرهنگ عمومی نیز بر محتوای سینمایی تأثیرگذار است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سینما این است که به عنوان آینه‌ای از جامعه عمل می‌کند. فیلم‌ها بازتاب‌دهنده وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک دوره خاص هستند. آنچه در فیلم‌ها نمایش داده می‌شود، بیشتر از هر چیزی گواهی است بر اینکه فرهنگ عمومی در چه مرحله‌ای از تحول و تغییر است. به عنوان مثال بازیگری بسیاری از فیلم‌های قدیمی سینمای ایران، نشان‌دهنده نوع پوشش، رفتار، گفتار، معماری، ترافیک، مرادوات اجتماعی و... در دهه‌های قبل است که در زمان معاصر چه بسا بسیاری از این نمودها فراموش شده باشند یا تحول ناشی از گذر زمان بر تن‌شان ننشسته باشد. این که بسیاری از فیلم‌های قدیمی در ایران به دلایل مختلف امکان نمایش عمومی ندارند به محروم‌سازی نسل‌های جدیدتر از آشنایی با گذشته‌شان در باب فرهنگ عمومی می‌انجامد. سینما به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی در معرفی و ترویج هویت‌های فرهنگی و ملی، نقشی کلیدی دارد. در بسیاری از کشورها، سینما به مثابه مدیومی برای تقویت هویت ملی و فرهنگی عمل می‌کند؛ چراکه فیلم‌ها به‌طور خاص می‌توانند به بازسازی و نمایش تاریخ، آداب و رسوم، افسانه‌ها و باورهای یک ملت بپردازند و در این راستا به انتقال ارزش‌ها و هویت‌های فرهنگی کمک کنند. از این‌رو، سینما به‌ویژه در کشورهای با تاریخ فرهنگی غنی، پدیده‌ای قدرتمند برای تبلیغ و انتقال هویت ملی است. فیلم‌های تاریخی و یا مستند می‌توانند در بازسازی هویت ملی و فرهنگی، نقش مهمی ایفا کنند و مردم را نسبت به تاریخ و فرهنگ خود آگاه‌تر کنند. متأسفانه در کشور ما در این زمینه نیز از سینما آن‌طور که باید و شاید بهره گرفته نشده است و مثلاً سرمایه‌هایی که می‌توانست برای بازسازی بخش‌هایی از تاریخ متقدم‌تر کشورمان هزینه شد تحت عنوان فیلم فاخر، آثاری بی‌ربط به تاریخ ایرانیان را عمدتاً دربرگرفت که حتی در جذب مخاطب نیز عموماً موفق نبودند.

اما سینما صرفاً یک رسانه بازتاب‌دهنده نیست بلکه می‌تواند، عامل تغییر و تحول در فرهنگ عمومی باشد. فیلم‌ها نه تنها مواردی که در جامعه اتفاق می‌افتند را به تصویر می‌کشند بلکه ظرفیت تأثیرگذاری بر رفتار، نگرش و افکار عمومی دارند. سینما از این طریق که مخاطبان را درگیر داستان‌های خود می‌کند، می‌تواند هنجارهای جدیدی به مردم بشناساند و در برخی موارد به ترویج آنها بپردازد و یا دست‌کم تأمل مخاطبان را بدان برانگیزاند. نقش دیگر سینما در فرهنگ عمومی این است که بر مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی و فرهنگی تمرکز کند و به نقد و بررسی آنها بپردازد. فیلم‌ها می‌توانند انتقاداتی به سیستم‌های سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی وارد کنند و از طریق روایت‌های خود حتی نهادهای قدرت را به چالش بکشند. این نوع سینما اغلب به عنوان سینمای مستقل شناخته می‌شود که در آن فیلم‌سازان با بررسی مسائل اجتماعی و سیاسی، فرهنگ عمومی را آسیب‌شناسی می‌کنند و چه بسا به تغییر آن به سمت سویه‌های مثبت دامن بزنند.

سینما ابزار قدرتمندی برای اقناع و پذیرش داوطلبانه است. برخلاف قانون که با اجبار فیزیکی عمل می‌کند، سینما تماشاگر را دعوت می‌کند تا با شخصیت‌ها همدات‌پنداری کند، قضاوت کند و در نهایت ارزشی را بپذیرد یا رد کند. مکانیسم اقناع سینمایی سه‌لایه است: احساسی، منطقی و اجتماعی. تماشاگر ابتدا گریه می‌کند یا می‌خندد سپس استدلال شخصیت‌ها را دنبال می‌کند و سرانجام تحت تأثیر نوعی هم‌نواپی قرار می‌گیرد. فیلم‌های موفق مد، زبان، نگرش و حتی سیاست را دگرگون می‌کنند. این‌که سینما اجبار اجتماعی غیررسمی را فعال می‌کند، نکته‌ای بسیار مهم در نقش آفرینی سینما در فرهنگ عمومی است. از همین روست که دولت‌ها و نهادهای قدرت نیز سینما را ابزاری برای سیاست‌گذاری فرهنگی می‌بینند. اما فرهنگ عمومی حتی تحت کنترل، راه خود را پیدا می‌کند. نسبت سینما و فرهنگ عمومی خطی نیست بلکه چرخه‌ای پویاست: فرهنگ عمومی سوژه، مخاطب و سرمایه فراهم می‌کند؛ سینما بازتاب می‌دهد، نقد می‌کند و پیشنهاد می‌دهد؛ سپس فرهنگ عمومی تغییر می‌کند، تثبیت می‌شود یا مقاومت می‌کند.



سازگار نیست. روحیه ایشان، انسانی معنوی و متدین را نشان می‌دهد. نکته دیگر اینکه نسبب‌انگاری چیز بدی نیست یعنی تالی آرای من هست اما تالی فاسد نیست. نتیجه آرا اگرچه نسبب‌نگرای است ولی نسبب‌نگرای ارزشمندی است چون نسبب‌نگرای، توضع‌ی عمیق در میان آدمیان ایجاد می‌کند اما در امور اجتماعی هم مدارایی ایجاد می‌کند که صلح جز از طریق این مدارا امکان‌پذیر نیست. اگر بخواهیم صلح مقدمه جنگ‌های بزرگ‌تر نبوده و ریاکارانه نباشد باید به مدارا برسیم. اگر به مدارا برسیم، می‌توانیم به صلح قائل باشیم و به آن التزام نظری و عملی داشته باشیم.»

ملکیان در بخش دیگری از سخنان خود خاطر نشان کرد: «وقتی این کتاب و آثار مشابه نیوبرگ را می‌خوانید به این نتیجه می‌رسید که جهان رازآمیز است و به هر طرف که می‌روید به بن‌بست می‌رسید. عقل‌گرایی افراطی و علم‌زدگی هم غلط است و با آن به نتیجه نمی‌رسید. نه در فلسفه و نه در علم، نمی‌توانید به راز نرسید، هم پیش‌فرض‌های‌تان رازآمیز است و هم وقتی می‌خواهید، بناهایی برای این پیش‌فرض‌ها ایجاد کنید، آن‌ها هم رازآمیز هستند. نکته دیگری که مولف تصریح می‌کند این خبر خوش است که برای یک زندگی خوب نیاز به گشودن رازها نیست. بر خلاف قدامای ما که اعتقاد داشتند، اول تو حید و معادمان را درست کنیم تا بتوانیم زندگی خوش داشته باشیم الا‌ن باید دانست که نباید به این چیزها توجه داشته باشیم. زندگی خوب را می‌توان طوری تنظیم کرد که در همه حال کسی ضرر نکرده باشد.»

ملکیان در پایان سخنان خود خاطر نشان کرد: «این کتاب می‌خواهد بگوید اگر این دیدگاه‌های معرفت‌شناختی را داشته باشید در بهبود اخلاقیات‌تان بسیار موثر است ولو اگر از سر ناچاری به این دیدگاه رسیدیم که عقل همیشه هم نمی‌تواند، کاری برای ما بکند یا تجربه هم همین‌طور. اتفاقاً همه بی‌اخلاقی‌هایی که ما در طول تاریخ با آن برخورد داشته‌ایم ناشی از این بوده که به این حقیقت قائل نبودیم و فکر می‌کردیم، حق همیشه نزد ماست.»

می‌دهند. این افراد بدون ذره‌ای عذاب وجدان، افراد را فریب می‌دهند و تلاشی نیز برای پنهان کردن شرارت خود انجام نمی‌دهند. در عین حال آدم‌ها نه تنها از خانواده «تویت» بیزار نیستند بلکه به راحتی فریب وعده‌هایشان را می‌خورند. وعده احمای آرمان شهری که روزگاری بهترین و شادترین مکان برای زندگی بود. این خانواده در حالی که بچه‌ها را تعقیب می‌کنند، کمپینی راه می‌اندازند تا عظمت خود را برگردانند. بیننده به داستان همراه می‌شود چراکه در هر گوشه و کنار جهان امروزی می‌تواند، نمونه‌های عینی اتفاقات و کاراکترها را ببیند. همچنین انیمیشن بی‌برده به موج «ترامپسیسم» که در جهان و آمریکا راه افتاده، انتقاد می‌کند. شهروندان استعاره از دولت‌ها و مردمی هستند که برای هر تصمیمی تحت تأثیر رئیس‌جمهور آمریکا قرار دارند. فردی که ادعا می‌کند به دنبال برگرداندن عظمت آمریکاست. در نهایت انیمیشن «تویت‌ها» در ظاهر برای کودکان طراحی شده اما در آن مفاهیمی عمیق، تلخ و هشداردهنده وجود دارد که آن را به اثری متفاوت تبدیل کرده است.

انیمیشن با اینکه پتاسیل بالایی دارد اما فدای شوخی‌های سطحی و حال به‌هم‌زنی شده است و حتی تلاشی نمی‌کند، پیام‌رمان را به خوبی و به درستی نمایش دهد. در واقع انیمیشن ظرفیت کافی برای تبدیل شدن به یکی از بهترین انیمیشن‌های سال را دارد اما متأسفانه سیاست اشتباه سازندگان باعث هدر رفتن تمامی پتانسیل‌های موجود شده است تا حتی یک انیمیشن کم‌دی قابل قبول را نیز شاهد نباشیم. «تویت‌ها» با یک اقتباس جسورانه، زشتی را به زبان هنر ترجمه می‌کند: هم پامزه است، هم تلخ و گاهی آزاردهنده دقیقاً همان ترکیبی که دال از ما می‌خواست، تحملش را پیدا کنیم. برای تماشای جمعی کاملاً خانوادگی ایده‌آل نیست اما برای مخاطبی که دنبال انیمیشن هویت‌دار و تیغ‌دار است، انتخابی قابل دفاع و به‌یادماندنی است.



به آن باور داریم»، مصداق را تشخیص داده و تبیین کرده. به‌منظر من، به جای اینکه ترجمه کنیم «چرا به آنچه باور داریم، باور داریم» ترجمه کرده‌اند که «چرا به باورهایمان باور داریم» پروژه نیوبرگ، ارتباط میان دین و مغز است. مولف معتقد است، مغز انسان چهار مقوله را برای انسان تولید می‌کند و هر یک را در آثارش توضیح می‌دهد. اول اینکه این مغز انسان است که اندیشه و فکر خدا را ایجاد می‌کند. ساخته دوم تجربه دینی به اضافه تجربه عرفانی است که ساخته مغز آدمی است. تولید سوم مغز از منظر مولف، باور و مرادش از باور، باور دینی و مذهبی است. چهارمین محصول، خود پدیده دین مشتمل بر تشک‌ل‌ها، علقه‌ها، هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌های دینی و مذهبی است که بین ما انسان‌ها وجود دارد.»

ملکیان در ادامه ضمن اشاره به تشویش در جامعه‌ای که در آن آموزه‌های دینی به‌طور کلی به فراموشی سپرده می‌شود، خاطر نشان کرد: «مولف معتقد است، دین منجمد جز بیچارگی برای بشر نخواهد آورد. خوب است که دین بماند اما لازم است خود را طوری مجهز کند که بشر آماده میزبانی از آن باشد. نکته‌ای که از آثار ایشان حاصل می‌شود این است که اول به یک نوع شکاکیت نسبت به همه آن‌چه در علوم تجربی و در علوم تاریخی و فلسفی می‌بینیم، اعتراف می‌کند. مولف تصریح می‌کند در خصوص همه باورها با یک سلسله محدودیت‌های فراوان مواجه هستیم که باعث می‌شوند اگر منصف باشیم قبول کنیم ما تقریباً چیزی در مورد جهان نمی‌دانیم؛ یک نوع شکاکیت عام. البته مولف همیشه استنادش این است که جهان بی‌اندازه وسعت و تو در توهایی فراوان دارد. از آن طرف هم مغز ما محدود است و نمی‌تواند، سخن قاطعی در مورد جهان بگوید.» او در ادامه به شکاکیت مولف اشاره کرد و گفت: «شکاکیت نیوبرگ کم‌کم به گونه‌ای نسبب‌نگرای معرفتی می‌انجامد و به‌منظر من، نسبب‌نگرای معرفتی از شکاکیت ویران‌گرتر است. مولف با الفاظ مختلف از این نسبب‌نگرای دفاع و آن را نقل می‌کند. این رویکرد با روحیه ایشان



باشد. البته بهتر است والدین همراه کودک تماشا کنند تا صحنه‌های خشونت‌آمیز فانتزی یا طنزهای تند بدون ترس یا سوء برداشت درک شود. این فیلم می‌تواند به کودکان پیام‌وزد که حتی در برابر بی‌عدالتی و زشتی‌ها، امید، دوستی و همکاری ارزشمند است. در عین حال، لازم است به آنها توضیح داده شود که رفتارهای اغراق‌آمیز تویت‌ها، جنبه نمادین دارد و قرار نیست در دنیای واقعی تقلید شود. در این فیلم کاراکترهای شرور آق‌در کیف طراحی شده‌اند تا بد بودن را حتی در ظاهر نشان دهند. همچنین به وضوح در آن وجود دارد. در واقع مخاطب به راحتی می‌فهمد که خانواده «تویت» نماینده قشر سرمایه‌داری که برای رسیدن به قدرت و ثروت هر کاری انجام

شناسه آگهی ۲۰۳۷۵۹۲ نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی (یک مرحله ای)

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد



شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد در نظر دارد اجرای پروژه مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید لذا متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ لغایت ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ از طریق سامانه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند و پیشنهادات خود را با توجه به مندرجات دفترچه مناقصه ظرف مهلت مقرر در جدول زیر در سامانه ستاد ایران بارگذاری نمایند و ضمناً باکت الف مناقصه را به دبیرخانه این شرکت تحویل نمایند. ضمناً به پیشنهادهای تحویل داده شده بعد از انقضاء مدت و بارگذاری نشده در سامانه، ترتیب اثر داده نخواهد شد. کارفرما نسبت به رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۴۰۰۵۰۶۶۰۰۰۰۵۲					
ردیف	شماره مناقصه	شرح مناقصه	تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	نوع ضمانتنامه	زمان تحویل پاکت‌ها
۱	۱۴۰۴/۱۲۷/۲	اجرای پروژه توسعه و نگهداری شبکه برق روستایی شهرستان یزد (روستای اکرمیه و عسکریه) شرکت توزیع نیروی برق استان یزد ۱۴۰۴	۲,۲۵۹,۹۱۲,۰۰۰	۱- ضمانت نامه بانکی ۲- فیش واریز وجه نقد ۳- از محل مطالبات	ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ ساعت ۱۰:۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

۱- مدت اجرا: دو ماه

۲- به پیشنهادات مشروط، مبهم، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر ارسال گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۳- داوطلبان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۳۵-۴۶۲۴۸۹۸۹ امور تدارکات و ۳۱۶۷۲۳۱۳ امور مهندسی و نظارت تماس حاصل نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

ضد خلاقیّت

چرا در اقتصاد ایران نوآوری معنی ندارد؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

اقتصاد ایران در وضعیتی گرفتار شده که در آن ساختارهای قدیمی به دلیل حمایت‌های دولتی باقی مانده‌اند اما فضای رقابت و ریسک‌پذیری که برای رشد نوآوری لازم است، شکل نگرفته است. در نظریه مشهور جوزف شومپتر، اقتصاد پویا و خلاق، آن اقتصادی است که بتواند از دل ویرانی ساختارهای کهنه، فرصت‌های نو بسازد؛ او این فرآیند را «تخریب خلاق» می‌نامید. به باور شومپتر، موتور اصلی توسعه نه انباشت سرمایه بلکه نوآوری است؛ نوآوری در محصول، در شیوه تولید، در بازار و حتی در سازماندهی اقتصادی. در جوامعی که این چرخه سالم کار می‌کند، شرکت‌های ناکارآمد و فناوری‌های قدیمی به‌طور طبیعی از صحنه کنار می‌روند تا جا برای ایده‌های تازه باز شود. اما در ایران این روند به درستی شکل نگرفته و به تعبیر بسیاری از اقتصاددانان، خلاقیّت‌ها پیش از آنکه به بار بنشینند، در نطفه می‌میرند. ریشه اصلی این مساله در ساختار دولتی و تمرکزگرای اقتصاد نهفته است. بخش بزرگی از تولید و خدمات در دست نهادهای دولتی یا شبه‌دولتی است که به جای رقابت در بازار آزاد از منابع عمومی، رانت‌های اطلاعاتی و حمایتی برخوردارند. این بنگاه‌ها با تکیه بر امتیازات انحصاری خود، اجازه ظهور و رشد بخش خصوصی نوآور را نمی‌دهند. از سوی دیگر، سیاست‌هایی چون پرداخت یارانه به تولیدکنندگان سنتی، تعرفه‌های بالا برای واردات کالا‌های مشابه و دخالت گسترده دولت در تعیین قیمت‌ها، مانع شکل‌گیری رقابت واقعی می‌شوند. در چنین فضایی، نوآوری نه مزیت بلکه ریسک است؛ چراکه بازار در اختیار بازیگران بزرگ و محافظه‌کار است که نیازی به بهبود بهره‌وری یا خلاقیّت احساس نمی‌کنند.

نظام بانکی نیز که باید تأمین‌کننده منابع مالی نوآوران باشد، خود به یکی از عوامل سرکوب خلاقیّت تبدیل شده است. بانک‌ها به جای ارزیابی ایده‌های نو، ترجیح می‌دهند منابع خود را به شرکت‌های وابسته یا بنگاه‌های بزرگ دولتی اختصاص دهند؛ زیرا بازپرداخت آنها تضمین‌شده‌تر است. نبود بازار سرمایه توسعه‌یافته و ابزارهای مالی متنوع باعث شده، استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان جوان نتوانند به سرمایه بلندمدت دسترسی پیدا کنند. افزون بر این دخالت‌های دستوری دولت در نظام مالی، از تعیین نرخ سود تا تخصیص اعتبارات، موجب شده تصمیمات اقتصادی به‌جای منطق بازار، تابع منافع کوتاه‌مدت سیاسی باشد. عامل دیگر، تورم مزمن و کسری بودجه است که فضای تصمیم‌گیری را آشفته و پریسک می‌کند. در شرایطی که ارزش پول ملی پیوسته کاهش می‌یابد، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند به فعالیت‌های غیرمولد و سفته‌بازانه روی آورند تا پروژه‌های بلندمدت و نوآورانه. نتیجه آن است که ایده‌های تازه نه حمایت مالی می‌یابند و نه زمان کافی برای بلوغ پیدا می‌کنند. در حوزه فناوری و استارت‌آپ‌ها نیز نبود زیرساخت‌های مناسب و ضعف در حمایت قانونی، مانع بزرگی بر سر راه نوآوری است. کارآفرینان برای ثبت مالکیت فکری، جذب سرمایه‌گذار خارجی یا حتی حفظ مجوز فعالیت با موانع متعدد اداری مواجه‌اند.

بسیاری از ایده‌ها پیش از آنکه به مرحله تجاری‌سازی برسند، در پیچ‌وخم بروکراسی یا بی‌ثباتی سیاست‌ها نابود می‌شوند. به همین دلیل شکست در میان استارت‌آپ‌های ایرانی، پدیده‌ای فراگیر است و حتی موفق‌ترین آنها نیز اغلب ناچارند برای بقا به خارج از کشور مهاجرت کنند.

آگهی موضوع مادهٔ ۳ قانون وماده ۱۳

آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای اصلاحی هیات به شماره ۱۵۶۲۵ تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای علی طهماسبی فرزند حسینیعلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۵۸،۴۹ مترمربع بشماره کلاسه ۱۴۰۲/۲۱۶ قسمتی از پلاک ۴۸ - اصلی واقع در اراضی قریه پاسند بخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده از مالک غیررسمی سید قاسم موسوی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۲۴۵۴۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰

محمدحسن صادقی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

منقل قانونی!

چرا اقتصاددانان مدافع قانونی کردن مصرف مواد مخدر هستند؟

سعید خوش‌بین
گروه اقتصاد

درگیری ارتش‌ها با قاچاقچیان مواد مخدر وارد مرحله جدیدی شده است. اخیراً ویدئویی از شلیک ارتش آمریکا به یک قایق روی آب منتشر شده که متعلق به قاچاقچیان است و نشان می‌دهد، دولت آمریکا برای متوقف کردن ورود جریان مواد مخدر به ارتش متوسل شده است. برخی به میان کشیدن پای ارتش را لازم می‌دانند اما برخی در برابر این کار، موضع گرفته‌اند. اقتصاددانان اما با بیهوده دانستن این سیاست‌ها راحل خود را پیشنهاد می‌کنند؛ قانونی کردن مواد مخدر و پایان بخشیدن به این همه دردرس.

رئیس‌جمهور ایالاتمتحده به‌جای مقابله با ریشه‌ها بر نمایش قدرت تمرکز کرده است. اما مسأله فراتر از نمایش نظامی است؛ صنعتی نوپا و پیچیده با سودهای سرسام‌آور هر سال صدها هزار قربانی از جمله موج مرگ‌های ناشی از اوردوز، خشونت‌های مرگ‌بار برای تسخیر مسیرها و فساد عمیق در دولت‌های ضعیف به‌جا می‌گذارد. همین اقتصاد پرابهام و برون‌سپاری‌شده است که نشان می‌دهد، بمباران قایق‌ها یا نمایش حملات در تیک‌تاک تنها پوست مسأله را خراش می‌دهد و راه علاج واقعی در قانون‌گذاری هوشمند، نظارت بر بازارها و هدف گرفتن پیوندهای مالی شبکه‌ها و در کنار آن تقویت سیاست‌های بهداشت عمومی و کاهش تقاضا نهفته است.

اقتصاددانان نسخه اصلی را در قانونی کردن مصرف مواد مخدر می‌دانند

از منظر هزینه‌ها و پیامدهای اجتماعی، راهکارهایی مثل ممنوعیت نه تنها اثربخش نیستند بلکه شرایط را بدتر هم می‌کنند. آنها معتقدند هر نوع بازار غیرقانونی می‌تواند منجر به خلق رانت‌های عظیمی شود. مثلاً قیمت هر کیلو کوکائین تا حدود ۱۲۰ برابر هزینه تولید و برای مصاد صنعتی مانند فنتانیل تا حدود هزار برابر می‌شود و همین سودهای کلان انگیزه خشونت، فساد و رقابت خونین بین شبکه‌ها را فراهم می‌آورد که هر سال، رقم‌های بسیار بالایی از مرگ و خشونت را به دنبال دارد. چنانکه هفته‌نامه اکونومیست گزارش کرده، مصرف غیرقانونی و مواد افیونی سالانه تقریباً ۶۰۰ هزار نفر

بازار سهام

نزدیک قله

بازار سهام چگونه در آستانه شکستن رکورد تاریخی قرار گرفت؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بورس تهران در حالی پنجمین هفته متوالی رشد خود را پشت سر گذاشت که شاخص کل با افزایش ۴/۲ درصدی، بار دیگر به آستانه قله تاریخی خود در سطح ۳ میلیون و ۲۵۲ هزارواحدهی نزدیک شد. آرام شدن فضای سیاسی و افزایش بهای ارز در بازار آزاد، در کنار تداوم ورود نقدینگی و رشد ارزش معاملات خرد به بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده روند صعودی بازار در هفته گذشته بود. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۲/۷۷ درصدی نشان داد، اقبال عمومی به سهام در سطحی فراگیر جریان دارد. در همین حال بازار ارز پس از جهش تا محدوده ۱۱۸ هزار تومان در اوایل مهر با فروکش کردن هیجان‌های سیاسی و افزایش احتمال اصلاح سیاست ارزی، وارد مسیر نزولی و در محدوده ۱۰۶ تا ۱۰۷ هزار تومان تثبیت شد. بازار طلا و سکه نیز تحت‌تاثیر افت‌وخیز اونس جهانی میان مرز ۳۹۰۰ تا ۴۰۰۰ دلار نوسانات محدودی را تجربه کرد. در بازار جهانی انرژی نیز گزارش کاهش ذخایر نفت آمریکا تنها رشد موقتی در قیمت‌ها رقم زد و نفت برنت بار دیگر در محدوده ۶۴ دلار آرام گرفت.

را می‌کشد و ایالات متحده به‌طور نامتناسب قربانی می‌دهد. وقتی تولید و فروش غیرقانونی باشد، کنترل کیفیت و دوز ممکن نیست و مصرف‌کننده در معرض ترکیبات مرگبار و بیش‌دوز قرار می‌گیرد. اما قانونی‌سازی و نظارت اجازه می‌دهد، محصول دارای استاندارد و دوز مشخص عرضه شود و در نتیجه مرگ‌ومیرهای مرتبط با ترکیبات خطرناک و اوردوز کاهش یابد. از سوی دیگر، قانونی‌سازی رانت مجرمانه را می‌زاید و با کوچک کردن سود غیرقانونی انگیزه خشونت و رشوه‌خواری کاهش می‌یابد، زندان‌ها خلوت‌تر می‌شوند و نظام عدالت کیفری می‌تواند منابع خود را بر مجرمان سازمان‌یافته و شبکه‌های پولشویی متمرکز کند؛ به‌علاوه جمع‌آوری مالیات و تنظیم بازار از طریق قوانین می‌تواند هزینه‌های اجتماعی را پوشش دهد و فضایی برای برنامه‌های درمان و بهداشت عمومی فراهم کند. اقتصاددانان همچنین تأکید می‌کنند که کاهش تقاضا از طریق کارزارهای درمان و بهداشت عمومی بازدهی بالایی دارد و بدون این اقدامات، تنها فشار بر عرضه موجب افزایش قیمت و در نتیجه جلب بازیگران جدید و بازتولید عرضه خواهد شد. بنابراین راهبردی منطقی برای کاهش مرگ، خشونت و فساد ترکیبی از قانونی‌سازی تولید/فروش تحت چارچوب نظارتی، سیاست‌های قوی کاهش تقاضا و برخورد هوشمندانه حقوقی از طریق تمرکز بر پیوندهای مالی، مدیران شبکه و پول‌شویی است.

البته موانع سیاسی و اجتماعی بزرگ‌اند و جامعه و سیاستمداران اغلب با چنین پیشنهاداتی موافق نیستند اما از دید اقتصادی این رویکرد، بهترین شانس برای کمینه کردن هزینه‌های انسانی و اجتماعی ناشی از بازارهای مواد مخدر است.

چند کشور مصرف برخی مواد مخدر را قانونی یا خیلی کم مجازات کرده‌اند اما این به معنای «آزادی کامل همه مواد مخدر» نیست و غالباً محدود به مواد خاص مثل مصرف شخصی است.

البته باید میان قانونی‌سازی کامل و کاهش مجازات تمایز قائل شد زیرا در بیشتر کشورها مصرف مواد مخدر کاملاً قانونی نیست بلکه تحت شرایط خاص یا با مجازات سبک‌تر پذیرفته شده است.

مثلاً پرتغال از سال ۲۰۰۱ استفاده و حمل مقادیر کوچک مواد مخدر را جرم کیفری نمی‌داند و آن را به عنوان مسأله‌ای

مجموعه این تحولات، تصویری از بازاری به دست می‌دهد که در فضای نسبتاً باثبات اقتصادی، بار دیگر نشانه‌هایی از بازگشت اعتماد و سرمایه را بروز داده است.

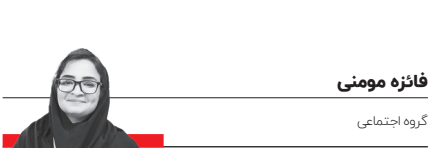
شاخص کل بورس با رشدی که در هفته قبل تجربه کرد؛ به حوالی قله تاریخی تجربه‌شده در پایان اردیبهشت ۱۴۰۴ رسید. گفتنی است که در روند صعودی ابتدای سال جاری که در نتیجه آغاز مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا در بستر بازار سهام شکل گرفته بود؛ شاخص کل در ۷ هفته متوالی با رشد همراه شده بود. روند صعودی کنونی بازار سهام نیز در نتیجه حاکم شدن نسبی آرامش بر فضای سیاسی و اقتصادی کشور رخ داده و افزایش قیمت ارز در بازار آزاد در ماه‌های اخیر نیز مزید بر علت شده تا در شرایط کنونی از بازار سهام استقبال قابل‌توجهی به عمل آید. موضوع دیگر احتمال تغییر در سیاست ارزی و کاهش فاصله بین دلار توافقی و دلار بازار آزاد با افزایش دلار توافقی است که نگاه‌ها را به سوی بازار سهام معطوف کرده است. با فتح کانال ۳ میلیون و ۲۰۰ هزارواحدهی توسط شاخص کل بورس، این شاخص تنها ۴/۱ درصد با قله تاریخی ۳ میلیون و ۲۵۲ هزارواحدهی که در اردیبهشت‌ماه امسال تجربه کرده، فاصله دارد. با رشد تجربه‌شده در معاملات هفته گذشته، بازدهی شاخص از کف هشتم شهریورماه به ۳۴ درصد رسید تا بهترین روند صعودی بورس در سال جاری به

بهداشت عمومی تلقی کرده است. در برخی کشورها مثل اروگوئه، مصرف تفریحی کانابیس(ماریجوانا) قانونی شده است؛ اروگوئه در سال ۲۰۱۳ تولید، توزیع و مصرف کانابیس را قانونی کرد. در اسپانیا، رشد خانگی کانابیس برای مصرف شخصی مجاز است و فروش عمومی آن ممنوع، یعنی وضعیت نیمه‌قانونی دارد. در آلمان اخیراً مالکیت مقادیر کوچک کانابیس برای مصرف شخصی قانونی شده است.

در کشور ما نیز با وجود هزینه‌های سنگین انواع مبارزه با مواد مخدر و آمار چشمگیر اعتیاد در ایران و گردش مالی بسیار زیاد برای این بازار، ممنوعیت کامل نتوانسته است نتیجه چشمگیری در کنترل مصرف یا کاهش عرضه داشته باشد. در مدل فعلی، ممنوعیت باعث شده تا عرضه‌کنندگان با ریسک بالا تر مواجه شوند اما این ریسک بالا با قیمت‌های بالا و سودهای زیاد همراه شده است؛ نتیجه این شده که عرضه‌کنندگان از قدرت بیشتر، فساد، خشونت همچنین فساد موجود بهره بگیرند. از سوی دیگر، افزایش قیمت ناشی از ممنوعیت باعث شده، تقاضا به سوی مواد پرخطرتر سوق پیدا کند و مصرف‌کنندگان با گزینه‌های خطرناک‌تر مواجه شوند. در مقابل اگر مواد کم‌خطرتر قانونی شود، عرضه آن با ریسک پایین مواجه می‌شود، قیمت آن کاهش می‌یابد و مصرف‌کننده ممکن است، ترجیح دهد به سوی آن برود تا مواد پرخطرتر. بدین طریق بازار مواد پرخطر، کوچک‌تر و مبارزه با آن آسان‌تر خواهد بود. تجربه نشان می‌دهد در ایالاتی از آمریکا و نیز کشورهایی چون هلند و اروگوئه، آزادسازی یا کاهش ممنوعیت برای برخی مواد در حال تجربه است اما در سطح جهانی هنوز پذیرش کامل این رویکرد فراگیر نشده است. با این وجود، تغییر رویکرد از ممنوعیت کامل دشوار است چراکه ساختارهای موجود از جمله نهادهای مقابله، زیست‌بخش‌های مرتبط و منافع طیف‌هایی از جامعه با وضعیت فعلی منطبق شده‌اند و مقاومت می‌کنند. از منظر حقوقی نیز در حوزه خصوصی افراد، مداخله دولت در منع مصرف سخت، قابل توجیه است اما اگر ماده کم‌ضرری آزاد شود، می‌توان از آزادی مسسولانه افراد بهره گرفت و با تبلیغات و سیاست بهداشت عمومی، کاهش آسیب را دنبال کرد؛ همان‌گونه که با تکنیک‌های فشار، مالیات و تبلیغات موفق شده‌اند، مصرف سیگار را در بسیاری از کشورها کاهش دهند. بنابراین مطابق استدلال اقتصاددانان، اگر قانونی شدن مواد کم‌خطر عملی شود، دولت می‌تواند از طریق مالیات بر آن، درآمد کسب کند و بودجه آن را به کمپین‌های آموزشی و درمان اختصاص دهد و در نتیجه هزینه سنگین سرکوب را کاهش دهد. وی در نهایت نتیجه می‌گیرد که وقتی جهانیان تجربه ممنوعیت کامل را دارند و نتایج آن چندان موفق نبوده، احتمال دارد که در آینده کشورهای بیشتری به سمت «آزادی تحت نظارت» برای مواد کم‌خطر حرکت کنند؛ اما این حرکت مستلزم بستر قانونی مناسب، اصلاح سیاست‌ها و تغییر نگرش عمومی است.

به نفع اتباع!

وزارت کشور تصمیم گرفته است که ازدواج ایرانیان با اتباع را به رسمیت بشناسد. کارشناسان این تصمیم را راهی دوباره برای بازگشت افغان ها و اتباع و اقامت‌های غیرقانونی می‌دانند



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

وزارت کشور اعلام کرد به‌دنبال قانونی کردن ازدواج اتباع خارجی با ایرانیان است. ظاهرا هدف از این تصمیم، پایان دادن به ازدواج‌های بی‌سند و حمایت از زنان و کودکانی است که میان قانون و واقعیت جا مانده‌اند. اما کارشناسان هشدار می‌دهند که این اقدام، اگر بدون سازوکارهای دقیق اجرا شود، می‌تواند موج تازه‌ای از مهاجرت، فشار بر بازار کار و مسکن و تغییرات فرهنگی ناهمزمان را به همراه آورد. طرحی که مدافعانش آن را پاسخی به واقعیتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و مخالفانش بیم دارند به‌ دری تازه برای اقامت و تابعیت غیرایرانی‌ها بدل شود.

تاکنون مطابق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ایران، ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی منوط به کسب اجازه مخصوص از وزارت کشور بوده. بسیاری از ازدواج‌های ثبت نشده بین اتباع خارجی (به‌ویژه افغان‌ها) و زنان ایرانی «ازدواج شرعی» تلقی شده و مشکلات متعددی را در پی داشته است. به تازگی مسئولان ارشد کشور پیگیر ساماندهی این ازدواج‌ها هستند. طبق گزارش‌ها، پیش‌تر حدود ۶ میلیون تبعه افغانستان در ایران حضور داشتند که با اجرای طرح‌های اخراج اتباع غیرمجاز این رقم به حدود ۴/۵ میلیون نفر کاهش یافته است. همچنین حدود ۸۰ هزار ازدواج میان اتباع ایرانی و افغان به ثبت رسیده که با احتساب فرزندان، جمعیتی حدود ۲۵۰ هزار نفر را شامل می‌شود.

ایران‌شهر

سفر به کانادا

پژمان جمشیدی از ترکیه به کانادا رفت

گروه اجتماعی: در روزهای اخیر تصویری از پژمان جمشیدی در فرودگاه تورنتو کانادا منتشر شده که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشته است. این بازیگر و فوتبالیست سابق ایران با وثیقه آزاد شده و پس از سفر به ترکیه، راهی کانادا شده است. کامبیز برجاس، وکیل جمشیدی در باره مسافرت موکلش به کانادا اعلام کرده که هدف از این سفر، دیدار با اعضای خانواده‌اش بوده و تأکید کرده، موکلش «هر زمان لازم باشد به ایران بازخواهد گشت». وی در پاسخ به شایعاتی درباره خروج دائم یا مهاجرت جمشیدی گفت که این اخبار صحت ندارد و این سفر «برای دیدار با خانواده‌اش» انجام شده است. وکیل جمشیدی تصریح کرده است که در حال حاضر «دستگاه قضایی نیازی به حضور» او در ایران ندارد و موکلش همه جلسات دادگاه و مواجهه‌های حضوری مورد نیاز را قبلا پشت سر گذاشته است. به گفته وی، مرحله تحقیقات مقدماتی پرونده جمشیدی به پایان رسیده و بر اساس قوانین ایران، پس از این مرحله دیگر دلیلی برای اعمال محدودیت خروج از کشور متهم وجود ندارد. برجاس همچنین تأکید کرده که هیچ قرار ممنوع‌الخروجی یا نظارت قضایی علیه جمشیدی صادر نشده‌ و او در دو ماه گذشته سه بار از کشور خارج شده است. بنابراین سفر اخیر به کانادا هم اولین بار نبوده است. به گفته این وکیل دادگستری، همه‌های رسانه‌ای و حملات به جمشیدی و خانواده‌اش طبیعتا موجب شده برای مدتی در کنار خانواده در خارج باشند. پیش از این نیز اخباری درباره اقامت خواهر جمشیدی در کانادا و فعالیت او در آن کشور منتشر شده بود که در فضای مجازی بازتاب داشت. احتمال عدم بازگشت در پی ابراز نگرانی برخی کاربران نسبت به احتمال نپرداختن وثیقه یا فرار متهم باید یادآور شد که «مبلغ وثیقه آن‌قدرها که در فضای مجازی گفته می‌شود، سنگین نیست»، همان‌گونه که وکیل جمشیدی اعلام کرده است بنا بر گفته برجاس، این وثیقه توسط خود جمشیدی واریز شده و دادگاه تجدیدنظر نیز همان مبلغ وثیقه اولیه را کافی دانسته است. وی تأکید کرده که برخلاف شایعات، هیچ فرد ثالثی، از جمله تهیه‌کننده، وثیقه موکل را نپرداخته و قوه قضایه هیچ مرجع قانونی،

محدودیت خروجی در پرونده جمشیدی را اعلام نکرده است. اما اگر فرض کنیم که جمشیدی پس از خروج از کشور دیگر بازنگردد از منظر حقوقی ترتیب دیگری باید در پیش گرفت. یک وکیل دادگستری در این باره توضیح داده است که در این صورت بازپرس رسیدگی به پرونده ابتدا باید به ضامن (وثیقه‌گذار) هشدار دهد و او را ملزم کند که طی یک ماه متهم را به کشور بازگرداند؛ در غیر این صورت، وثیقه متهم طبق ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی «به نفع دولت ضبط» می‌شود. البته این وکیل تأکید کرده، ضبط وثیقه نهایتا نفعی برای شاکی پرونده به همراه نخواهد داشت چراکه وثیقه برای دولت ضبط می‌شود و خسارت شاکی از این طریق جبران نمی‌شود. افزون بر این در صورتی که متهم به‌طور قانونی از کشور خارج شده باشد و به مراجع قضایی دسترسی نداشته باشیم، دستگاه قضایی می‌تواند با اعلام قضیه به پلیس بین‌الملل (اینترپل) تلاش کند تا او را بازگرداند. اما ایران و کانادا «رابطه قضایی خوبی ندارند» و در موارد پیشین، دستگیرشدگان ایرانی در کانادا به کشور مسترد نشده‌اند بنابراین شانس استرداد جمشیدی کم به نظر می‌رسد.

فقدان قانون مناسب

برخی حقوق‌دانان، سفر جمشیدی را نشان‌دهنده «نقص قانون» کنونی برشمرده‌اند. به گفته یکی از وکلای پرونده در جرایم مشمول «جرائم علیه عفت»، چنانچه سوءظن و شواهد اولیه‌ای برای مفسده گسترده وجود داشته باشد معمولاً بازپرس برای جلوگیری از فرار متهم، اقدام به ممنوع‌الخروج کردن او می‌کند. اما درباره جمشیدی چنین ممنوعیتی اعمال نشده و پس از تودیع وثیقه، خود قانون جاری به موجب ماده آیین دادرسی کیفری، وضعیت ممنوع‌الخروجی را عملاً مرتفع می‌داند. از این‌رو به گفته آقایابایان، «تا زمانی که تکلیف پرونده متهم مشخص نشده است، اجازه خروج از کشور به او ندهند» و قوانین مربوط را به‌روزرسانی کنند. وی تأکید کرده است که در پرونده جمشیدی «تنها جنبه خصوصی جرم مطرح نیست

بخش‌های ساختمانی، خدماتی و کشاورزی مشغول و به دلیل دستمزدهای پایین، موجب افزایش رقابت در بازار کار شده است. کارفرمایان برای کاهش هزینه نیروی کار، تمایل بیشتری به استخدام مهاجران افغان دارند؛ نتیجه این است که فرصت‌های شغلی ایرانیان (به‌خصوص در مشاغل کارگری) تحت فشار قرار گرفته و میانگین دستمزد در برخی صنوف کاهش یافته است. همزمان، افزایش جمعیت مهاجر در شهرهای بزرگ، تقاضای مسکن را بالا برده و قیمت اجاره و خرید خانه را به طور چشمگیری افزایش داده است. بررسی‌های میدانی حکایت از آن دارد که در شهرهای اطراف تهران مانند کهریزک و فشافویه، پر شدن ظرفیت شهرک‌های کارگری به‌دلیل ورود مهاجران تأثیر مستقیم بر رشد هزینه مسکن و کمبود فضاهای آموزشی داشته است.

از سوی دیگر، هزینه‌های حمایتی (پارانه‌ها) بخش قابل توجهی از منابع عمومی را می‌بلعد. برخی تخمین‌ها نشان می‌دهد، ایران سالانه بیش از ۵/۸ میلیارد دلار پارانه برای حضور و معیشت افغان‌ها (به‌خصوص اتباع غیرمجاز) پرداخت می‌کند. برای مثال در شرایط فعلی، قیمت پارانه‌ای هر نان سنگک حدود ۷ برابر ارزان‌تر از قیمت تمام شده است؛ اگر هر افغان روزانه فقط یک نان سنگک مصرف کند (که معمولاً بیش از این مقدار است) روزانه حدود ۱۸۰ میلیارد تومان پارانه نان صرف این جمعیت می‌شود. در مجموع، سالانه رقمی نزدیک به ۶۵/۷ هزار میلیارد تومان صرف پارانه نان مهاجران افغان می‌شود. افزون بر این اگر پارانه‌های پنهان حامل‌های انرژی (گاز، بنزین، گازوئیل) را لحاظ کنیم، سهم این جمعیت از پارانه‌ها به حدود ۴۴۷ هزار میلیارد تومان در سال می‌رسد. این هزینه‌های گزاف در حالی است که بخش عمده مهاجران افغان، قانونی در ایران کار و زندگی نمی‌کنند و سهم ناچیزی از مالیات و حق بیمه به دولت می‌پردازند.

خرید مسکن!

مطابق مقررات فعلی، اتباع غیرایرانی معمولاً حق تنظیم سند رسمی ملک به نام خود را ندارند. در قوانین کشور، غیرایرانی‌ها صرفاً در موارد ویژه‌ای مانند سرمایه‌گذاری خارجی یا با مجوزهای خاص می‌توانند در املاک خاص سهیم شوند.



و با جریحه‌دار شدن احساسات عمومی، جنبه عمومی جرم نیز فعال شده» بنابراین لازم بود، قوانین راهبردی‌تری برای محدودیت مسافرت متهمان قبل از صدور حکم نهایی تعریف شود. در واقع، به گفته او، کانادا مدت‌هاست به «بهشت» مجرمان ایرانی تبدیل شده و در صورت تأیید حضور جمشیدی در کانادا بهتر بود، پیش از خروج او محدودیت قانونی لحاظ شود تا «متهم نتواند از دسترس قانون و شاکی خارج شود».

تاکنون مراجع رسمی قضایی ایران درباره سفر جمشیدی به کانادا اظهارنظر نکرده‌اند. اما در محافل عمومی و رسانه‌ها واکنش‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی این سفر را نشانه‌ای از فرار احتمالی و سوءاستفاده از آزادی با وثیقه تفسیر کرده‌اند، در حالی که نزدیکان جمشیدی بر قانونی بودن سفر و ضرورت دیدار با خانواده پس از فشار رسانه‌ای اخیر تأکید کرده‌اند. همچنین برخی کارشناسان رسانه‌ای، انتشار سریع اخبار در برخی کانال‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی را موجب سوگیری در قضاوت عمومی دانسته‌اند.

به همین دلیل بسیاری از مهاجران تنها از طریق قراردادهای غیررسمی (قولنامه) یا از طریق واسطه‌های ایرانی، مالکیت را در اختیار می‌گیرند که خود پرریسک است. بنابراین حتی با قانونی شدن ازدواج نیز انتظاری مبنی بر افزایش مالکیت مسکن توسط اتباع خارجی وجود ندارد؛ مگر آنکه مقررات مالکیت برای آنان نیز به‌طور چشمگیری تغییر کند که در سند فعلی طرح مجلس چنین موضوعی مطرح نشده است.

ابعاد امنیتی

مساله مهاجرت افغان‌ها در نگاه رسمی ایران بیش از آنکه مساله امنیتی باشد، موضوعی اجتماعی و اقتصادی قلمداد شده است. مقام‌های کشور تأکید کرده‌اند، مهاجران افغان اغلب به‌دنبال شرایط بهتر اقتصادی وارد ایران شده‌اند و باید با رویکرد اجتماعی و حقوق بشری با این پدیده برخورد کرد. با این حال نگرانی‌های امنیتی نیز مطرح است. برخی گزارش‌ها حکایت دارد در جنگ اخیر، ظرفیت عده‌ای از اتباع غیرقانونی افغان برای مقاصد جاسوسی یا خرابکاری توسط بازیگران خارجی مورد سوء استفاده قرار گرفته است. همچنین گفته می‌شود در جریان بازداشت و پاک‌سازی محله‌های پُر جمعیت مهاجران غیرمجاز، موارد متعددی از فعالیت‌های مشکوک و قاچاق کشف شده که نشان می‌دهد فقدان هویت رسمی می‌تواند، زمینه‌ساز سوءاستفاده‌های مخفی باشد. قانونی شدن ازدواج‌های ایرانی-افغان به دلیل حمایت از حقوق زنان ایرانی و فرزندان حاصل از این پیوندها مطرح شده است. اگرچه این اقدام می‌تواند، مشکلات بی‌هویتی و محرومیت قانونی را کاهش دهد اما نباید به منزله تسهیل ورود نامحدود اتباع خارجی تلقی شود. به گفته مسئولان ازدواج‌های ثبت نشده سابق در مراجع رسمی فاقد اعتبار شناخته می‌شود و قانون جدید سختگیری بیشتری اعمال می‌کند. در کوتاه‌مدت انتظار نمی‌رود، تعداد چشمگیر دیگری از اتباع خارجی با استفاده از این مجوز بتوانند تابعیت یا حقوق کامل اقامتی دریافت کنند. پیش‌بینی می‌شود، قانون جدید با تأکید بر کنترل قضایی دقیق و ضوابط سخت‌گیرانه، تنها وضعیت حقوقی ازدواج‌های موجود را تثبیت کند و از ایجاد مشوقی برای ازدواج‌های ساختگی یا بی‌ضابطه جلوگیری کند.

خبر

میان مرگ مغزی و امید آخرین نبض صابر کاظمی

در حالی که کمیسیون پزشکی کشور مرگ مغزی صابر کاظمی، ملی‌پوش والیبال ایران را تأیید کرده، معاون وزیر بهداشت می‌گوید، او هنوز در کماست و برخی علائم حیاتی در بدنش وجود دارد. خانواده این ورزشکار همچنان امیدوارند و از مردم خواسته‌اند دعا کنند؛ امیدی که در برابر نظر قطعی پزشکان، تنها بر دوش معجزه است. صابر کاظمی، ستاره ۲۴ ساله والیبال ایران این روزها در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان پیامبران تهران میان مرگ و زندگی است. او که پس از ایست قلبی در استخر محل اقامت خود در دوحه به کما رفت، ابتدا در بیمارستان حمد قطر بستری شد سپس با هماهنگی فدراسیون والیبال و وزارت بهداشت به ایران منتقل گردید. کمیسیون پزشکی متشکل از اساتید مغز و اعصاب پس از بررسی‌های نهایی، «مرگ مغزی» او را تأیید کرده‌اند. با این حال معاون وزیر بهداشت گفته است: «صابر هنوز در کماست و مرگ مغزی‌اش قطعی نیست؛ در این وضعیت خون‌رسانی اندام‌ها مختل می‌شود اما قلبش همچنان می‌تپد». این اظهارنظر، امید را در دل خانواده‌اش زنده نگه داشته است. میلاد تقوی، رئیس فدراسیون والیبال، می‌گوید: «وقتی از مردم می‌خواهیم دعا کنند، یعنی به چیزی فراتر از اقدامات پزشکی نیاز داریم». او از رسانه‌ها خواسته است در اطلاع‌رسانی محتاط باشند تا آرامش خانواده حفظ شود. فرهاد قائمی نیز از مردم خواسته در کنار خانواده صابر بایستد و دلگرمی‌شان باشند. پزشکان اعلام کرده‌اند کلیه‌های صابر از کار افتاده و ریه‌هایش آسیب دیده است. او همچنان با دستگاه‌های تنفس و گردش خون، زنده نگه داشته می‌شود. در مورد اهدای عضو او نیز با خانواده‌اش گفت‌وگو شده‌اما هنوز تصمیم نهایی گرفته‌نشده‌است. حادثه‌ای که از ۲۵ مهر آغاز شد هنوز جامعه ورزش ایران را در شوک نگه داشته است. علت دقیق این سانحه به‌طور رسمی اعلام نشده اما فرضیه برق‌گرفتگی رد و عارضه مغزی، محتمل‌ترین دلیل عنوان شده است. اکنون چشم میلیون‌ها ایرانی به تخت سفید بیمارستان پیامبران دوخته شده است؛ جایی که آخرین نبض صابر هنوز می‌تپد و امید، تنها داروی باقی‌مانده است.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی ● صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران ● مدیرمسئول: امیر اقتناعی ● سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● عکس: رضا معطریان ● ویراستار: سعیده آری‌فر ● حروفچین: مریم شهسوارزاده ● نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ ● چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

شناسه آگهی ۲۰۲۸۰۱۴ نوبت دوم



شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه چابهار

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران / منطقه چابهار

موضوع مناقصه	شماره فراخوان	مدت اجرای کار	برآورد مناقصه	نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار
مناقصه تامین خودروهای استیجاری منطقه	۲۰۰۴۰۹۲۶۳۸۰۰۰۰۵	یک سال شمسی	۲۹۹/۵۶۳/۸۸۶/۶۸۶ ریال	واریز سپرده نقدی یا ضمانتنامه بانکی یا سایر تضمین قابل قبول در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به مبلغ ۱۴/۹۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل یک میلیارد و چهارصد و نود و هشت میلیون تومان واریز به حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۲۹۰۰۱ بانک ملی شعبه مرکزی چابهار بنام شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه چابهار و دریافت رسید وجه از امور مالی منطقه چابهار
مناقصه حجمی زمانی امور انبارهای نفت و خدمات عمومی و دفتری و فضای سبز منطقه چابهار	۲۰۰۴۰۹۲۶۳۸۰۰۰۰۰۶	یک سال شمسی	۹۰۳/۸۵۵/۱۲۰/۱۸۶	واریز سپرده نقدی یا ضمانتنامه بانکی یا سایر تضمین قابل قبول در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به مبلغ ۲۵/۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل ده میلیارد و سیصد و شصت میلیون تومان واریز به حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۲۹۰۰۱ بانک ملی شعبه مرکزی چابهار بنام شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه چابهار و دریافت رسید وجه از امور مالی منطقه چابهار

۱. احراز حداقل ۶۰ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی.
۱۰. احراز حداقل ۶۰ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ارزیابی کیفی.

مدارک لازم جهت ارزیابی کیفی:

تکمیل و بارگذاری فرمهای اسناد ارزیابی قرار داده شده در سامانه همراه با مهر و امضاء الکترونیکی صاحبان امضای مجاز به شرح ذیل:

- ✓ بارگذاری کلیه مفاسحاسب قراردادهای مندرج در فرم های ارزیابی
- ✓ بارگذاری تصویر قراردادهای مندرج در فرم های ارزیابی
- ✓ بارگذاری رضایت نامه های اخذ شده از کارفرماهای قبلی مندرج در فرم های ارزیابی
- ✓ بارگذاری گواهی صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان جهت ارزیابی hse
- ✓ بارگذاری مدارک هویتی و تحصیلی اعضای هیئت مدیره

برنامه زمان بندی مناقصه:

۱- جلسه توضیح و تشریح: (الف) مناقصه تامین خودروها ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ ب) مناقصه حجمی زمانی امور انبارهای نفت و خدمات عمومی و دفتری ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ در محل ساختمان اصلی شرکت پخش به آدرس فوق‌الذکر برگزار می گردد.

۲- جلسه بازگشایی پاکات مناقصات در صورت کسب حداقل امتیاز ارزیابی: (الف) مناقصه تامین خودروها ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ ب) مناقصه حجمی زمانی امور انبارهای نفت و خدمات عمومی و دفتری ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ با حضور اعضاء کمیسیون مناقصات، مناقصه گران و مدعوین برگزار خواهد شد.

در صورت تغییر در زمان بندی مراحل مناقصه، مراتب در سایت مربوطه اصلاح و درج میگردد.

* کلیه اسناد و مدارک ارسالی می بایست به صورت الکترونیکی مهر و امضا و در سامانه بارگذاری گردد. بدیهی است اسناد و مدارک فاقد امضای الکترونیکی قابل تایید و ارزیابی نخواهد بود.

تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۸/۱۰

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه چابهار

شناسه آگهی: ۲۰۳۶۶۶۷ نوبت اول

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران (مناقصه شماره ۱۴۰۳/۱۸/AA) به شماره سامانه ستاد ۲۰۰۴۰۹۱۶۴۵۰۰۰۱۰۱



شرکت ملی نفت ایران
شرکت پایانه های نفتی ایران

تجدید مناقصه

(و شرایط مناقصه گران متقاضی:

۱- داشتن تجربه در انجام خدمات مورد نیاز، داشتن تجهیزات، امکانات، تخصص لازم، توانایی فنی و مالی انجام کار مطابق با استانداردهای رایج صنعت نفت.

۲- توانایی ارائه **تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱۶ر۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یک میلیارد و ششصد و هشتاد میلیون ریال)** حسب آیین نامه شماره ۱/۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت محترم وزیران و همچنین **تضمین انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ۱۰ درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه.** در ضمن تضمین صادره می بایست مطابق فرمت های نمونه پیوست آیین نامه مذکور ارائه گردد؛ لذا این شرکت از پذیرش تضمینی که فاقد شرایط فوق باشد، معذور بوده و هیچ گونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص نخواهد داشت. همچنین از هر صورت وضعیت مناقصه گر برنده، ده درصد تحت عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می گردد.

۳- داشتن سابقه کار مفید و مرتبط با خدمات مورد نظر

۴- داشتن نیروهای متخصص در حوزه های فنی، اجرایی، برنامه ریزی، اداری، مدیریتی و همچنین تجهیزات مناسب مطابق با استانداردهای رایج در صنعت نفت.

۵- دارا بودن شخصیت حقوقی

۶- ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی

۷- ارائه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضاء

(ز) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد مالی از تاریخ ارائه پیشنهاد به مدت ۹۰ روز می باشد.

(ج) زمان، مهلت و نشانی در یافت اسناد ارزیابی کیفی:

۱- با عنایت به ابلاغیه شماره ۱/۱۴۰۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۱ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تأکید مؤکد بر الزام یکارگیری امضای الکترونیکی اسناد پاکت های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم)، کلیه مناقصه گران موظف می باشند تمامی اسناد پاکت های (ب) و (ج) را با امضاء الکترونیکی به همراه کپی ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار، در موعد مقرر در اسناد مناقصه، از طریق سیستم سامانه ستاد بارگذاری نمایند. در غیر اینصورت مناقصه گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش گفته (به جز اصل ضمانتنامه) معذور خواهد بود.

۲- کلیه مناقصه گران واجد شرایط می توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جداول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و حداکثر ظرف مهلت ۱۴ روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آنها (با رعایت مفاد بند فوق) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهینامه های ذکر شده در آگهی، نسبت به تغذیه اسناد پیش گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند. همچنین مناقصه گران می توانند جهت رؤیت آگهی به سایت های WWW.SHANA.IR، HTTP://IETS.MPORG.IR و WWW.IOTCO.IR مراجعه نمایند.

تذکر: مناقصه گزار در قبول یا رد مدارک مناقصه گران در تمام مراحل مطابق با قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه های اجرایی آن مختار خواهد بود.

روابط عمومی

موضوع: خرید یک دستگاه آمبولانس با تجهیزات تیپ B

شرکت پایانه های نفتی ایران (سپاهی خاص) در نظر دارد انجام خدمات موضوع فوق را با در نظر گرفتن شرایط کلی مشروحه زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران واجد شرایط واگذار نماید:

(الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. خاطرنشان می سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت، امکان ثبت نام بر خط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه گران فراهم می باشد.

شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱۱۴۵۴ می باشد. اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استان ها، در سایت سامانه (WWW.SETADIRAN.IR) بخش «ثبت نام/پروفاایل تأمین کننده/مناقصه گر» موجود است.

(ب) شرح کالا: یک دستگاه آمبولانس با تجهیزات تیپ B

(ج) محل و مدت زمان تأمین کالا: زمان تأمین کالا (از آغاز قرارداد تا تحویل کالا) یازده ماه و محل تحویل کالا بوشهر (اسکله فلات قاره) می باشد.

(د) برآورد مناقصه گزار: ۳۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (سی و سه میلیارد و ششصد میلیون ریال)

(هـ) معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران با لحاظ آخرین ویرایش ابلاغی طی تصویب نامه شماره ۹۳۸۷۲/ت ۵۷۸۶۰ مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۴ هیأت محترم وزیران هیأت محترم وزیران به شرح جدول ذیل می باشد:

کلیه مناقصه گران مکلفند آگهی حاضر و جداول مرتبط با ارزیابی ساده که در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و سایت شرکت پایانه های نفتی ایران به نشانی WWW.IOTCO.IR موجود می باشد را از سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) دریافت و ضمن تکمیل، مهر و امضای آن ها (با در نظر گرفتن توضیحات بند ح آگهی حاضر) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد و مدارک ذکر شده در این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تغذیه نمایند.

۱- توان مالی: ۳۰ امتیاز (حسب ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۴- استانداردهای تولید: ۱۵ امتیاز
۲- ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۱۵ امتیاز (حسب ماده ۲۶ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۵- داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر: ۱۵ امتیاز
۳- تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۱۰ امتیاز	۶- حسن سابقه: ۱۵ امتیاز

تذکر ۱: حداقل امتیاز کیفی قابل قبول برابر با ۶۰ می باشد.

تذکر ۲: به منظور بررسی معیار تجربه جهت معادل سازی مبالغ قراردادی، با استفاده از نرخ تورم اعلامی از مراجع قانونی، مبالغ قراردادی به روزرسانی گردیده و ملاک سنجش قرار خواهد گرفت.